

رعایت اصل برائت در رسیدگی‌های شبه قضایی در حقوق فرانسه

«در پرتو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر»

دکتر اسداله یآوری*

چکیده

امروزه رعایت اصل برائت منحصر به دادرسی کیفری نیست. صرف نظراز کیفری یا شبه کیفری، اداری، انضباطی و یا انتظامی تلقی نمودن رسیدگی و مجازات، و قضایی یا غیر قضایی بودن مقام و مرجع تعقیب‌کننده، هرگاه شخصی در معرض تعقیب، اتهام و محکومیت قرار گیرد، هیچ یک از مراجع قضایی و غیر قضایی مداخله‌کننده (مستقیماً یا غیر مستقیم) در دعوی و همچنین رسانه‌ها حق نقض اصل بی گناهی شخص مظنون و مورد تعقیب را قبل از اعلام مجرمیت یا متخلف بودن وسیله مرجع ذی‌صلاح که اصولاً پس از طی مراحل قانونی صورت می‌پذیرد، ندارند. در برخی موارد، آثار مالی، محرومیت، ممنوعیت و همچنین آثار غیر مستقیم یک مجازات اداری یا انضباطی می‌تواند دارای اهمیت بیشتری نسبت به برخی مجازات‌های کیفری برای شخص در معرض این مجازات‌ها باشد. بر همین اساس، رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر، در چارچوب تضمینات دادرسی منصفانه، و با در نظر گرفتن برخی معیارها، در خصوص رعایت اصل برائت در ماده ۲-۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، قلمرو حوزه کیفری را

* استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

فراتراز حوزه دادرسی کیفری در مفهوم کلاسیک آن، در نظر گرفته است. در حقوق فرانسه، با استناد به برخی مقررات داخلی و همچنین ماده ۲-۶ کنوانسیون، امروزه رعایت این اصل به رسیدگی‌های شبه کیفری گسترش یافته است. اما، با عنایت به ماهیت رسیدگی‌های اداری، تشکیلات و سازمان اداری، نیروی انسانی و همچنین آیین اخذ تصمیمات اداری که نوعاً ناشی از اقتضائات عملی و فنی، و یا لزوم سرعت و تأثیر این اقدامات (شبه قضایی و یا شبه کیفری) اداره مورد توجه قرار گرفته است، گسترش اعمال این اصل (به عنوان یکی از تضمینات آیین دادرسی کیفری) به رسیدگی‌های شبه کیفری وسیله مراجع اداری نه مطلق است و نه عام؛ ضمن آنکه، انتزاعی بودن رعایت آن، اعمال مؤثر این اصل را، حتی در دادرسی‌های کیفری، تضعیف می‌نماید.

کلید واژگان

اصل برائت- رسیدگی اداری- شبه کیفری- مرجع اداری- دادرسی کیفری- دادرسی منصفانه- مجازات اداری- مجازات انضباطی- حوزه کیفری- کنوانسیون اروپایی حقوق بشر.

مقدمه

دادرسی انسانی مصون از خطای قضایی نیست. به ویژه در ابتدای جریان رسیدگی (شروع به تعقیب)، که ممکن است فرد مورد تعقیب به اشتباه متهم شده باشد. چنین شرایط و اوضاع و احوالی لزوم رعایت فرض بی گناهی متهم را، تا هنگامی که مجرمیت او به طور قانونی به اثبات نرسیده است، توجیه می‌نماید. از نظر سزار بکاریا «نمی‌توان فردی را قبل از رأی قاضی مجرم فرض نمود، و جامعه تنها زمانی می‌تواند حمایت عمومی خود را از وی سلب نماید که اطمینان از نقض مقررات پیش‌بینی شده حاصل شده باشد [...]». یا وقوع جرم قطعی است یا محل تردید است. اگر وقوع جرم قطعی است، مجرم تنها باید بر اساس مجازات پیش‌بینی شده بر اساس قانون مجازات گردد. اما اگر وقوع جرم محل تردید است، آیا این وحشتناک نیست که شخص بی گناهی مورد شکنجه قرار گیرد. زیرا، در مقابل قوانین شخص اخیر بی گناه است و وقوع جرم ثابت نشده است^۱.

اصل برائت یا فرض بی گناهی که از دیرباز مورد توجه بوده، امروزه یکی از پایه‌های بنیادین دادرسی کیفری است. به ویژه، با اوج گیری جریان توجه به حقوق بشر و لزوم حمایت قضایی از این حقوق براساس اندیشه دادرسی منصفانه، ابتدائاً در اسناد بین‌المللی و سپس (تحت تأثیر این اسناد) در حقوق داخلی کشورهای مختلف، اصل برائت به عنوان عنصر کلیدی در رسیدگی‌های کیفری و شبه کیفری و شرط اساسی رعایت تضمیناتی چون حق دفاع و اصل بی طرفی مورد شناسایی قرار گرفته است. بند ۲ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق

1. Beccaria C., *Traité des délits et des peines* (traduit de l'italien, version numérique : www.gallica.bnf.fr), § XII, pp. 36-37.

بشر مقرر نموده است: « هر متهم به ارتکاب یک بزه، تا هنگامی که مجرمیتش به طور قانونی احراز نگردیده باشد، بی‌گناه فرض می‌گردد». علاوه بر این، اسناد بین‌المللی دیگر نیز آن را مورد شناسایی قرار داده‌اند. مطابق ماده ۱۱ بند ۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر، هر شخص متهم به انجام یک عمل مجرمانه، تا هنگامی که مجرمیتش به طور قانونی در جریان یک دادرسی علنی همراه با تضمین شرایط ضروری برای دفاع اثبات نگردیده، بی‌گناه فرض می‌شود. همین‌طور، ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی مربوط به حقوق سیاسی و مدنی، اصل برائت را مورد شناسایی قرار داده است.

در حقوق داخلی، مطابق ماده ۹ اعلامیه حقوق بشر و شهروندان ۱۷۸۹ فرانسه، تا هنگامی که مجرمیت شخصی اعلام گردد، بی‌گناه فرض می‌شود. به علاوه بند ۱ ماده ۹ قانون مدنی فرانسه (الحاقی سال ۱۹۳۳) مقرر نموده: رعایت فرض بی‌گناهی حق همه است. همچنین، به رغم عدم پیش‌بینی این اصل در قانون آیین دادرسی کیفری تا سال ۲۰۰۰، قانون‌گذار با الحاق یک ماده مقدماتی (در قانون اصلاحی ۱۵ ژوئن ۲۰۰۰) رعایت اصل برائت را در قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی نمود. بر اساس بند ۳ این ماده هر شخص مورد تعقیب تا هنگامی که مجرمیتش به اثبات نرسیده باشد، بی‌گناه فرض می‌شود. فرض بی‌گناهی، مقدمه واجب و شرط لازم دادرسی کیفری و یا شبه کیفری است. اگر شورای قانون اساسی در ابتدا، در تصمیمات خود، تنها به اهمیت این اصل اشاره نموده بود^۲، سپس، در موارد متعددی در رویه قضایی خود اصل برائت را هم‌ارز

2. CC 9 ja. 1980, déc. 79-109-DC, concernant la loi sur la prévention de l'immigration clandestine, D. 1980, p. 249, note, J-M. Auby, p. 420, note, L. Hamon ; RDP 1980, p. 1631, note, L. Favoreu, AJDA 1980, p. 356, note, C. Frank.

اصول قانون اساسی ارزیابی می‌نماید.^۳ همچنین، بر اساس رویه قضایی دیوان عالی کشور، اصل برائت مبنا و بنیان حق دفاع و به طور کلی دادرسی است. زیرا، عدم رعایت اصل برائت عملاً موجب عدم تأثیر و حتی بیهوده بودن حق دفاع متهم می‌گردد. بر همین اساس اصل برائت در مرکز و قلب مکانیزم جستجوی حقیقت در رسیدگی کیفری قرار می‌گیرد و شایسته است که اصل برائت در رأس تضمینات یک آیین دادرسی کیفری دموکراتیک قرار گیرد.

با این وجود، اندیشه تسری رعایت این اصل به رسیدگی‌های اداری شبه کیفری دارای سابقه چندانی نیست. در واقع، اولین بار و به طور مشخص، این دیوان اروپایی حقوق بشر بود که با تفسیری موسع از قلمرو «حوزه کیفری»^۴ در ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و گسترش آن به خارج از دادرسی‌های کیفری در مفهوم مضیق، تسری اصول دادرسی منصفانه و به تبع آن اصل برائت را به مجازات‌های اداری با معیارهای نسبتاً عینی مورد توجه قرار داد. به رغم مقاومت‌ها و فراز و نشیب‌های بسیار در این خصوص، نهایتاً شورای دولتی نیز رعایت این اصل را در خصوص رسیدگی‌های اداری با ماهیت کیفری مورد شناسایی و پذیرش قرار داد.^۵

به رغم وجود همگرایی کامل بین حقوق داخلی و بین‌المللی و اروپایی در خصوص اعمال اصل برائت در آیین دادرسی کیفری در نحوه اعمال این اصل در

3. CC 19-20 jan. 1981, déc. 80-127DC sur sécurité et liberté, 8 juill. 1989 (CC 8 juill. 1989 89-258).

4. Matière pénale.

۵. شورا همچنین در مواردی، در اعمال اصل برائت به ماده ۹ اعلامیه حقوق بشر و شهروندان ۱۷۸۹
استناد نموده است. برای مثال نک : CE 30 : CE 28 déc. 2001, Michel Valette, req. 213931.
juill. 2003, Kamel, req. 249077.

مراحل مختلف رسیدگی کیفری و به ویژه رعایت این اصل در رسیدگی‌های شبه کیفری و مجازات‌های اداری^۶ تفاوت‌ها و استثنائاتی وجود دارد. از یک‌سو در مورد قلمرو و حوزه اعمال این اصل، و از سوی دیگر، در خصوص زمان اعمال اصل برائت در رسیدگی‌های شبه قضایی و کنترل قضایی این تصمیمات، حقوق داخلی و مقررات بین‌المللی دارای رویکرد واحدی نیستند.

این نوشتار در صدد بررسی و تحلیل ابعاد تحولات مزبور، شدت و ضعف و کم و کیف گسترش تضمینات آیین دادرسی کیفری به رسیدگی‌های شبه قضایی، و همچنین موانع و استثنائات آن است. به علاوه، با عنایت به تحولات کلی در خصوص قلمرو مفهومی اصل برائت و اشخاص و مقامات مشمول رعایت آن،

۶. در مفهوم عام، مجازات‌های اداری عبارتند از کلیه تصمیمات اداری با ماهیت تنبیهی و کیفری که ممکن است علیه کارکنان اداره (مجازات انضباطی)، شهروند و یا اشخاص حقوقی (مجازات اداری در مفهوم مضیق) که در قالب یک رسیدگی شبه قضایی (یا به عبارت دقیق‌تر، شبه کیفری) اتخاذ می‌گردد. علاوه بر این، تصمیمات شبه کیفری مراجع دیگری که دارای ساختاری نزدیک به ساختار دادگاه در مفهوم مضیق بوده، اما خارج از دستگاه قضایی هستند (دیوان محاسبات و یا مراجع تعزیرات حکومتی) نیز در شمول قلمرو عام مجازات‌های اداری قرار می‌گیرند. این مفهوم همچنین شامل مجازات‌های نوعاً انضباطی (انتظامی) صادره از سوی مراجع ذیصلاح انضباطی در نهادهای صنفی و یا در فدراسیون‌های ورزشی (صرف نظر از ماهیت نوعاً خصوصی این نهادها و به رغم اینکه، اعطاء صلاحیت انضباطی و انتظامی به این مراجع نیز با انتقادات زیادی روبه‌روست). نیز می‌گردد. دو نکته در خصوص وصف «اداری» در اینجا حائز اهمیت است: اول آنکه، در مواردی که کیفیت و ماهیت دادگاه برای نهاد مجازات‌کننده (خارج از دستگاه قضایی و مراجع قضایی کیفری) مورد شناسایی (قانون یا رویه قضایی) قرار گرفته است، «اداری» در نظر گرفتن مجازات محل تأمل خواهد بود. دوم، وصف مزبور در مورد برخی نهادهای مأمور به انجام سرویس و خدمات عمومی، که نوعاً دارای ماهیت حقوق خصوصی هستند، نیز به طریق اولی محل اشکال خواهد بود. به نظر، بر همین اساس است که میشل دوگوف فرانسوی (Degoff M., Droit de la sanction non-pénale, Economica, 2000) در تعیین نامی مشترک برای مجموعه یادشده، عنوان «مجازات‌های غیر کیفری» را برگزیده است.

این امر نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. در انتها نیز، رابطه دادرسی کیفری و اداری و انضباطی و استقلال آن‌ها از یکدیگر مورد بحث قرار خواهد گرفت.

پیش از ورود به بحث اصلی، چند نکته مقدماتی شایان ذکر به نظر می‌رسد:

- اگرچه در ماده ۶ کنوانسیون و در خصوص حق برخورداری از دادرسی منصفانه، به اصطلاح «دادگاه» به عنوان معیار شناسایی نهادهای مشمول این مقرر تصریح شده است، اما باید توجه داشت، مفهوم دادگاه در این ماده مطابق با معیارهای کلاسیک در حقوق داخلی نبوده و در حال حاضر، با عنایت به رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر، قلمرو بسیار وسیع‌تری را شامل گردیده، و بسیاری از نهادهای خارج از دستگاه قضایی^۷ را (که از نظر حقوق داخلی نوعاً

۷. در این تقسیم‌بندی، دادگاه‌های اداری در مفهوم مضیق (مجموعه دادگاه‌های اداری بدوی، تجدید نظر و شورای دولتی در نظم قضایی اداری) نیز به عنوان مراجع قضایی داخل در دستگاه قضایی محسوب گردیده و محل بحث ما نخواهند بود. البته شایان ذکر است، این دادگاه‌ها در موارد استثنایی دارای صلاحیت‌های شبه کیفری نیز هستند. شورای دولتی اعمال اصل برائت در مورد مجازات‌های اداری اعلام‌شده به وسیله دادگاه اداری را پذیرفته است. به عنوان مثال در حوزه تخلفات مربوط به راه‌های عمومی، دادگاه اداری بار اثبات ادعا را برعهده اداره (شاکی) به عنوان متقاضی تعقیب و مجازات قرار داده است. این تخلفات عبارتند از مجموعه اعمالی که به عنوان تعرض و تجاوز به حوزه عمومی در راه‌های زمینی، هوایی و دریایی محسوب می‌گردد. در این موارد مقام اداری (فرماندار محل) در دادگاه اداری صالح اعلام تخلف نموده و خولستار محکومیت مرتکب تخلف می‌گردد. دادگاه علاوه بر جریمه مرتکب می‌تواند وی را ملزم به جبران خسارات وارده به اموال عمومی نماید. اگر چه شورای دولتی اشاره‌ای به اصل برائت در خصوص جرائم مربوط به این حوزه ننموده است، اما این شورا در یکی از نظریات خود در تاریخ ۲۳ آوریل ۱۹۹۷ به طور ضمنی و غیرمستقیم اعمال تضمینات اعمال حوزه کیفری را به طور کلی در خصوص مجازات‌های مزبور پذیرفته است (CE avis, 23 avr. 1997, Société Nouvelle Entreprise Henry, Rec. 155. V., également CE 21 déc. 2001, Hofmann, req. 222862. از نظرشورا، اگر چه تخلفات مزبور (با توجه به موضوع رسیدگی و صلاحیت مراجع رسیدگی‌کننده) در حوزه کیفری ماده ۶ قابل اعمال نیست، اما از زمانی که این مجازات‌ها دارای ماهیت کیفری باشند مقررات و تضمینات حوزه کیفری قابل اعمال خواهد بود.

در زمره مراجع اداری قرار دارند) نیز دربر می‌گیرد.^۸ به عبارت دیگر، حوزه اعمال ماده ۶ فراتر از رسیدگی‌های قضایی در مفهوم مضیق خواهد بود. این امر در خصوص مفهوم و محتوی تضمینات دادرسی منصفانه، و همچنین زمان و نحوه اعمال آن‌ها نیز صادق است.

- قانون و یا رویه قضایی داخلی برخی از مراجع انضباطی و انتظامی (به ویژه در خصوص اصناف) را به عنوان دادگاه‌های اداری اختصاصی مورد شناسایی قرار داده است.

۸. تعریف مشخصی نه در حقوق داخلی (قوانین، رویه قضایی و دکتین) و نه در کنوانسیون و رویه قضایی مراجع نظارت رعایت کنوانسیون از کلمه "دادگاه" وجود ندارد. البته دیوان اروپایی حقوق بشر، با اقتباس از رویه قضایی دیوان دادگستری جوامع اروپایی به عنوان نهاد قضایی اتحادیه اروپا (CJCE 26 nov. 1999, C-440/ 98, Radiotelevisione italiana Spa, Rec. 1999 p. I-08597, D. 18. 2000, IR, p. 18)، معیارهایی را در این خصوص به دست داده است. بر این اساس، اعم از اینکه ما نهادی را کمیسیون، شورا، دادگاه، دیوان نامیده و یا از عناوین دیگر استفاده نماییم؛ این امر تأثیر تعیین‌کننده در اینکه نهاد مزبور لزوماً «دادگاه» در مفهوم ماده ۶ تلقی گردد یا خیر، نخواهد داشت. در واقع آنچه معیار و ملاک ماده ۶ در اعمال آن بر رسیدگی یک ارگان است، کارکرد و نقش قضایی آن است، و تعیین یک مرجع به عنوان غیر قضایی وسیله قوانین و یا رویه قضایی داخلی (براساس معیارهای ارگانیک و یا نحوه رسیدگی در آن) ملاک لازم‌الرعایه برای دیوان محسوب نمی‌گردد. و شرط ایجاد قانونی آن در این ماده، ناظر بر لزوم مشروعیت قانونی یک نهاد قضایی است و عدم شناسایی یک مرجع (که ماهیت عمل آن قضایی است) به عنوان "دادگاه" وسیله قانون‌گذار داخلی ماهیت قضایی آن را زائل نخواهد نمود. همین طور وجود توأم صلاحیت‌های قضایی با صلاحیت‌های دیگر (مثلاً اداری) و فرعی بودن کارکرد قضایی نسبت به کارکردهای دیگر یک نهاد، نه تنها آن را از شمول عنوان دادگاه در ماده ۶ مستثنی نخواهد نمود؛ بلکه در صورتی که وجود سایر کارکردها منجر به عدم رعایت تضمینات مربوط به دادرسی (مانند استقلال و بی طرفی) در اعمال صلاحیت قضایی گردد؛ این امر می‌تواند به عنوان نقض تضمینات یادشده تلقی گردد. برای جزئیات و بحث و بررسی بیشتر نک:

Yavari A., Le régime des sanctions administratives en droit français au regard des dispositions de l'article 6 de la Convention EDH, Thèse de doctorat, Université de Nantes, 2007, pp. 125 et ss.

- در مورد برخی از نهادهای اداری دارای صلاحیت‌های شبه قضایی و شبه کیفری، به رغم عدم شناسایی صریح آن‌ها به عنوان دادگاه، ساختار و سازمان مستقل آن‌ها از دستگاه اداری، و همچنین آیین رسیدگی خاص در اعمال صلاحیت‌های شبه قضایی و شبه کیفری، در مقررات داخلی مربوطه مورد توجه قرار گرفته است. به عنوان مثال می‌توان به مراجع اداری مستقل^۹ و یا مراجع عمومی مستقل^{۱۰} (عنوان دقیق‌تری که اخیراً قانون‌گذار فرانسوی برای آن‌ها در نظر گرفته است) که دارای صلاحیت‌های اداری و اجرایی، تقنینی و قضایی هستند؛ اشاره نمود.

- کلیه مراجع خارج از دستگاه قضایی که دارای صلاحیت‌های شبه قضایی و یا شبه کیفری هستند، اعم از اینکه مرجع انضباطی، انتظامی، و یا اداری و یا دادگاه اداری اختصاصی نامیده شده، و اعم از اینکه در درون و یا خارج از قوه مجریه قرار گیرند، موضوع این بحث خواهند بود. حتی برخی از اشخاص حقوقی حقوق خصوصی که دارای صلاحیت‌های انضباطی هستند (مانند مراجع انتظامی اصناف و یا مراجع انضباطی فدراسیون‌های ورزشی) نیز در زمره این گروه قرار می‌گیرند. به عنوان مثال، در تصمیم ۲۸ ژانویه ۱۹۸۱، کمیسیون ملی انضباطی فدراسیون فوتبال فرانسه رعایت اصل برائت در خصوص مجازات‌های صادرشده از سوی این نهاد را پذیرفته است^{۱۱}. اگرچه شورای دولتی در تصمیم ۵ می ۱۹۹۵ از پذیرش اعمال اصل برائت در خصوص مجازات‌های صادره از این کمیسیون (با استناد به اینکه مرجع مزبور دادگاه تلقی نمی‌گردد) خودداری نموده

9. Autorité administrative indépendante.

10. Autorité publique indépendante.

11. AJDA 1991, juris. p. 244.

است^{۱۲}، در یکی از تصمیمات خود در ۲ ژوئیه ۲۰۰۱ نهایتاً اعمال اصل برائت در تصمیمات کمیسیون فوق را پذیرفته است^{۱۳}.

- در خصوص رژیم حقوقی مجازات‌های اداری و، یا به عبارت دقیق‌تر، غیر کیفری، شایان ذکر است، به رغم اینکه اصولاً نظارت بر تصمیمات نهادهای و مراجع اداری شبه قضایی در صلاحیت محاکم اداری و در رأس آنها شورای دولتی قرار گرفته است، نظارت قضایی بر تصمیمات برخی از این مراجع در صلاحیت محاکم عمومی و در رأس آنها دیوان عالی کشور قرار دارد. این امر خود، با عنایت به رویکردهای متفاوت قاضی عمومی و قاضی اداری نسبت به ابعاد مختلف رسیدگی در دو نظم، فقدان وحدت (کامل) رویه قضایی را در این حوزه موجب گردیده است.

مبحث اول: توسعه قلمرو اعمال اصل برائت فراتر از آیین دادرسی کیفری
با عنایت به گسترش روزافزون صلاحیت‌های شبه قضایی و شبه کیفری مراجع اداری و عمومی خارج از دستگاه قضایی^{۱۴} لزوم توجه به تضمینات آیینی، در جریان رسیدگی، به شدت احساس می‌گردد. بر همین اساس، در دهه‌های اخیر، حقوق داخلی کشورها، متأثر از تعهدات بین‌المللی و منطقه‌ای، بر لزوم

12. CE 5 mai 1995, M. Burruchaga, AJDA1995, somm. comm. p. 753, note J-P. Théron.

13. CE 2 juill. 2001, Fédération française de football, req. 221481.

۱۴. این امر با دو رویکرد توجه به ضرورت‌های عملی و فنی در اعمال عمومی و اداری برخی مراجع غیر قضایی از یک سو، و توجه به ضرورت قضا زدایی در برخی حوزه‌ها در حال گسترش است.

گسترش برخی تضمینات رسیدگی‌های قضایی (کیفری) به این رسیدگی‌ها توجه خاص داشته‌اند.

الف- قابلیت اعمال اصل برائت در رسیدگی‌های شبه کیفری

گسترش تضمینات دادرسی کیفری به رسیدگی‌های اداری بر مبنای ماهیت مشابه آن‌ها با مجازات‌های کیفری و لزوم رعایت این تضمینات بر همین اساس توجیه می‌گردد. به دیگر سخن، دیوان اروپایی با تفسیر بسیار موسع از مقررات کنوانسیون و به ویژه ماده ۶ و تضمینات مندرج در آن، و براساس معیارهای مستقل از حقوق داخلی مفاهیمی چون جرم، مجازات، دادگاه، قلمرو حوزه کیفری و ... را فراتر از آنچه که به طور سنتی در حقوق داخلی کشورها در قلمرو حقوق کیفری و دادرسی کیفری قرار دارد، تعریف نموده است.^{۱۵} بنابراین، اصل برائت نه تنها در دعاوی کیفری، بلکه حتی در دادرسی‌های اداری با ماهیت شبه کیفری خواه در نزد دادگاه اداری، خواه نزد مقام اداری قابل اعمال است.

دیوان اروپایی حقوق بشر، رعایت این اصل در هر موردی که شخص از اقدامات مراجع قضایی یا شبه قضایی احساس مجرمیت داشته و انعکاس خارجی اقدامات مزبور مبتنی بر تأیید چنین احساسی باشد، را ضروری دانسته است. حتی هنگامی که شخص مورد تعقیب رسماً به عنوان متهم شناسایی نگردیده؛ و یا در مواردی که شخص مورد تعقیب به هردلیلی (دفاع مشروع و...) قابل مجازات نیست، اصل برائت در جریان رسیدگی لازم‌الرعايه است. در دعوای **Adolf** علیه اتریش در ۲۶ مارس ۱۹۸۲ دیوان ضمن شناسایی ضرورت اعمال تضمینات

۱۵. در این خصوص رجوع کنید: یاوری، اسدالله، حق برخورداری از یک دادرسی منصفانه و آیین دادرسی نوین، نشریه حقوق اساسی، سال اول، ۱۳۸۲، شماره ۲.

حوزه کیفری (و به تبع آن، اعمال اصل برائت) در این دعوی، تصریح نموده است: در واقع، از نظر دیوان، ماده ۶ کنوانسیون تفکیکی میان جرائم قابل مجازات و جرائم غیرقابل مجازات قائل نشده است و ماده ۶ قابل اعمال بر هر شخص متهم به انجام یک جرم یا تخلف داخل در « حوزه کیفری»^{۱۶} است.^{۱۷} از نظر دیوان اروپایی، به طور کلی حق بهره‌مندی از اصل برائت قابل اعمال بر هر موردی است که شخص بر اساس برخی اعلانات و اقدامات مقامات عمومی احساس مجرمیت نماید.^{۱۸} به عنوان مثال، در تصمیم Lutz علیه آلمان در ۲۵ اوت ۱۹۸۷ دیوان اروپایی حقوق بشر اعمال اصل برائت را در اعمال مجازات‌های مربوط به تخلفات جاده‌ای مورد پذیرش قرار داد.^{۱۹} سپس، در دعوی Salabiaku، دیوان اروپایی اعمال اصل برائت در رسیدگی‌های شبه کیفری (در حوزه‌های گمرکی و مالیاتی) را نیز پذیرفته است.^{۲۰}

دکترین در ابتدا معتقد به عدم امکان اعمال اصل برائت در تصمیمات اداری شبه کیفری بودند؛^{۲۱} زیرا، امکان سازگاری میان اصل برائت و تصمیم اداری شبه

۱۶. شایان ذکر است قلمرو حوزه کیفری در رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر بسیار فراتر از محدوده کلاسیک پیش‌بینی‌شده در حقوق داخلی کشورها (تحت عنوان حقوق کیفری) است. در این خصوص نک: یاوری اسدالله، حق برخورداری از دادرسی منصفانه یا آیین دادرسی نوین، نشریه حقوق اساسی، شماره ۲، ۱۳۸۳.

17. CEDH 26 mars 1982, Adolf c/ Autriche, § 33.

18. CEDH 25 mars 1983, Minelli c/ Suisse, A 62, § 37 ; v. également les rapports de la Commission EDH 4 déc. 1985, C c/Suisse, req.° 10107/82 I, D.R. 48, p. 35 ; 14 mars 1989, Grabemann c/Allemagne, req. 12748/87.

19. CEDH 25 août 1987 Lutz c/RFA A 123, Berger V., op. cit, n°s 96-98.

20. CEDH 7 oct. 1988, Salabiaku c/ France, A 141.

21. Delmas-Marty M. et Teitgen-Colly C., Punir sans juger? Economica, 1992, p. 118.

کیفری بسیار مشکل است.^{۲۲} در واقع، در تصمیمات ناشی از رسیدگی‌های اداری، نه تنها شرایط دادرسی کیفری قابل اعمال نبوده، بلکه فرض بی‌گناهی در تقابل با فرض قانونی بودن عمل اداره قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر در حقوق اداری کیفری این شخص مورد تعقیب است که باید بی‌گناهی خود را به اثبات برساند و این نتیجه منطقی اصل قانونی بودن تصمیمات اداری است.^{۲۳} به علاوه، به رغم منافع اعمال این اصل برای شهروند، اعمال آن (مانند سایر تضمینات مربوط به دادرسی کیفری) می‌تواند منجر به عدم توجیه استفاده از صلاحیت‌های شبه قضایی در اعمال اداری گردد. در واقع توسل به رسیدگی اداری در اعمال مجازات (استثناء بر رعایت اصل تفکیک قواست)، به دلیل مزیت‌های نسبی در این نوع رسیدگی و سهولت و سرعت آن، و به ویژه توجه بیشتر به ملاحظات عملی و فنی در این موارد بوده است، وبا الزام به رعایت تشریفات و آیین دادرسی کیفری در رسیدگی اداری، استفاده از این نوع رسیدگی توجیه خود را از دست خواهد داد.^{۲۴}

استادان فرانسوی حقوق اساسی، رونو و دوویلیه معتقدند که در خصوص «مراجع اداری مستقل» (به عنوان مراجع شبه قضایی) حتی اگر مقررات ماده ۶ کنوانسیون (به دلیل عدم شناسایی این مراجع به عنوان دادگاه) قابل اعمال نباشد، بر اساس ماده ۹ اعلامیه حقوق بشر و شهروندان ۱۷۸۹ اصل برائت بر دعاوی مورد رسیدگی وسیله این مراجع قابل اعمال است.^{۲۵} علاوه بر آن، از نظر

22. Genevois B., note sous CC 17 jan. 1989, déc. n° 88-248 DC, RFDA 1989, p. 227.

23. Delmas-Marty M. et Teitgen-Colly C., op. cit., p. 119; v. également, Dellis G., Droit pénal et droit administratif, n° 468, p. 351.

24. Moderne F., La sanction administrative (éléments d'analyse comparative), op. cit., pp. 495.

25. Renoux Th. et de Villiers M., Code constitutionnel, Litec, 2001, p. 101.

معیارهای کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (و براساس تفسیر دیوان اروپایی) برخی از مراجع اداری مستقل با توجه به ساختار و تشکیلات آن‌ها، دادگاه محسوب می‌شوند؛ و بنابراین در صورت رسیدگی شبه کیفری در این مراجع، اصل برائت قابل اعمال است. از این منظر، اعمال اصل برائت بر هر گونه رسیدگی که قانوناً امکان منتهی شدن به یک محکومیت قانونی (با ماهیت مجازات) در آن وجود دارد، قابل پذیرش است. برخی نظام‌های حقوقی اعمال اصل برائت را در رسیدگی‌های شبه کیفری مورد شناسایی قانونی قرار داده‌اند (پرتغال و اسپانیا). به علاوه، دادگاه قانون اساسی اسپانیا اعمال اصل برائت در مجازات‌های اداری را صریحاً به عنوان یک اصل هم‌ارز اصول قانون اساسی در نظر گرفته است.^{۲۶}

همچنین، شورای اساسی فرانسه در تصمیمات ۲۹ دسامبر ۱۹۸۹ و ۲۸ دسامبر ۱۹۹۰ شباهت ماهیتی رژیم حقوقی حاکم بر مجازات‌های مالیاتی و مجازات‌های کیفری را مورد شناسایی قرار داده است.^{۲۷} البته، برخی از نویسندگان در خصوص قلمرو رویه قضایی شورا پرسشی را در رابطه با اصل برائت مطرح نموده‌اند: با توجه به اینکه در تشبیه یادشده، شورا اشاره‌ای به اصل برائت ننموده است، آیا این امر به این مفهوم است که اعمال اصل بی گناهی بر مجازات‌های مالیاتی آنقدر بدیهی بوده است که شورای قانون اساسی به آن اشاره نکرده است؟ یا باید از آن عدم امکان اعمال اصل برائت در مجازات‌های مالیاتی را تعبیر نمود؟ در تصمیم ۲۹ دسامبر ۱۹۹۹ شورای قانون اساسی، شورا مطابقت ماده ۱۷۲۸ قانون مالیات‌ها را که دربردارنده یک مجازات اداری با ماهیت کیفری است با

26. Moderne F., Sanction administrative et justice constitutionnelle, op. cit., pp. 297-302 ; Moderne F., La sanction administrative (éléments d'analyse comparative), op. cit., pp. 494-495.

27. CC. 29 déc. 1989, Déc. 89-268DC, RFDC, 190, p. 122; CC 28 déc. 1990, n° 90-285 DC (loi de finances pour 1991).

قانون اساسی اعلام نموده است.^{۲۸} در استدلال شورا آمده است قانون مورد نظر اصل برائت را نقض نمی‌نماید. بنابراین اصل برائت در جرائم مالیاتی اعمال شده به وسیله مقامات اداری قابل اعمال است. از نظر شورا، قانون یادشده مشروط به دو شرط، ناقض اصل برائت نیست اول اینکه:

۱. بار اثبات ادعا در وقوع تخلف از سوی مؤدی به عهده اداره یا مقام اداری مالیاتی است.

۲. حقوق مربوط به دفاع به طور کافی مورد شناسایی و رعایت قرار گرفته باشد (متهم قادر به دفاع از خود بوده و امکان آن نیز فراهم باشد).

شایان ذکر است که تعهد مستدل و مستند صادر کردن تصمیمات مربوط به مجازات‌های مالیاتی و امکان پاسخ و دفاع شخص مؤدی مالیاتی تضمینات مؤخر بر تصمیم اداره هستند، حال آنکه فرض بر گناهی اصولاً باید در طی مراحل تدوین، تنظیم و اخذ تصمیم اداری شبه کیفری یادشده حاکم باشد. به علاوه شخصی که مجرمیت و تقصیر وی به طور استثنایی محسوس است، در اغلب موارد از امکانات و ابزار اثبات خلاف نظر اداره و در واقع اثبات بی گناهی خود برخوردار نیست. زیرا، ممکن است اسناد و مدارک لازم در اختیار اداره و یا شخص ثالث قرار داشته باشد. به ویژه در مواردی شخص اخیر به طور قانونی نمی‌تواند مدارک لازم را در اختیار فرد مجازات شده قرار دهد. به عنوان مثال در مورد اسرار حرفه‌ای، پزشک یا وکیل موظف به حفظ اسرار بوده و مجاز نیستند این اسرار را در اختیار غیر بگذارند، مگر با حکم دادگاه.

28. CC 29 déc. 1999, déc. 99-424 DC, sur la loi de finances pour 2000, Renoux Th. et de Villiers M., op. cit., p. 96.

برخلاف قاضی عمومی^{۲۹}، که به سرعت این امر را مورد پذیرش قرار داد، قاضی اداری در ابتدا مقاومت‌هایی را در این مورد نشان داده است: در حالی که دادگاه تجدیدنظر پاریس (قاضی عمومی) از ۱۹۹۳ اعمال اصل برائت در مجازات‌های اداری را مورد شناسایی قرار داده^{۳۰}، و این امر در آراء دیوان عالی کشور نیز پذیرفته شده است^{۳۱}؛ شورای دولتی (قاضی اداری) در نظریه ۳۱ مارس ۱۹۹۵ خود و براساس متن ماده ۶ کنوانسیون و همچنین سایر مقررات اعلام نموده: ماده ۶، تنها در دعای رسیدگی شده در «دادگاه» به معنای مضیق قابل اعمال است. به ویژه بند ۲ ماده ۶ (اصل برائت) تنها مربوط به قواعد تحقیق، ارائه مدارک و شواهد، در نزد محاکم بوده و محدود به تعیین حدود و ثغور و روش اعتراض نزد این محاکم در حوزه کیفری است، و به تصمیمات اداری قابل تسری نیست^{۳۲}. اما شورای دولتی در ادامه رأی مزبور تصریح نموده است که اصول پیش‌بینی شده به وسیله ماده ۶ کنوانسیون در خصوص دعاوی مالیاتی رسیدگی شده نزد دادگاه‌های ذی‌صلاح و در مورد جرائم مالیاتی با ماهیت کیفری قابل اعمال است. اگر چه این نظر شورا به عنوان پذیرش اعمال اصل برائت در دعای مالیاتی محسوب می‌گردد؛ اما با توجه به لفظ محاکم

۲۹. شایان ذکر است، قانون‌گذار بر اساس ملاحظات خاص، نظارت قضایی بر تصمیمات برخی مراجع اداری شبه قضایی را در صلاحیت محاکم عمومی دادگستری قرار داده است.

30. CA Paris 15 jan. 1993, Derveloy, D. 1993, p. 273, note, C. Ducouloux-Favard.

31. Cass. com. 9 avr. et 18 juin 1996, Justice 1997, p. 256, obs. L. Idot ; Cass. com. 1er déc. 1998, JCP 1999, II, 10057, note, E. Garaud ; LPA 15 jan. 1999, note, C. Ducouloux-Favard.

32. CE avis 31 mars 1995; v. également, CE avis du 5 avril 1996, Houdmond, RFDA 1997, p. 35.

ذی صلاح، به نظر می‌رسد شورا رعایت اصل برائت را تنها در جرائم مالیاتی اعلام شده به وسیله قضات کیفری و یا رسیدگی در محاکم اداری در موارد اعتراض به تصمیمات اداری شبه کیفری را پذیرفته باشد و نه اعمال آن در رسیدگی اداری شبه کیفری.

بر اساس این منطق، در تصمیم ۲۱ ژوئن ۱۹۹۷، دادگاه اداری تجدید نظر پاریس اعلام نموده است، همان‌گونه که شورای دولتی در نظریه ۳۱ مارس ۱۹۹۵ اعلام نموده، اصول پیش‌بینی‌شده به وسیله ماده ۶ کنوانسیون (منجمله اصل برائت) در مورد تصمیمات اداری شبه قضایی قابل اعمال نیست.^{۳۳} همچنین دادگاه اداری تجدید نظر اداری بوردو در ۲۳ اکتبر اعلام نمود: ماده ۶ و به ویژه بند ۲ آن هیچ‌گونه قاعده یا اصلی را که متضمن گسترش قلمرو اعمال تضمینات حوزه کیفری فراتراز دعاوی مطرح شده در نزد محاکم باشد پیش‌بینی نکرده است.^{۳۴}

با این وجود به نظر می‌رسد که عدم اعمال اصل برائت در مرحله رسیدگی اداری جهت صدور مجازات اداری قابل انتقاد باشد. زیرا، در واقع شخص مورد تعقیب بدون رعایت اصل بی‌گناهی به وسیله مقام اداری محکوم گردیده است؛ در حالی که مفهوم اصل برائت دربر دارنده لزوم هر گونه پیش‌داوری در محکومیت شخص مورد تعقیب تا قبل از صدور تصمیم است. بنابراین اگر چه تصمیم به وسیله یک مقام اداری و خارج از رسیدگی قضایی اتخاذ می‌گردد، با توجه به ماهیت کیفری تصمیم و محکومیتی که در انتظار شخص مورد تعقیب قرار دارد، به نظر می‌رسد که اصل برائت در همین مرحله اداری اعمال مجازات

33. CAA Paris 24 juin 1997, req. 95PA00199.

34. CAA Bordeaux 23 oct. 2001, req. 98BX01988.

لازم الرعايه باشد. البته، در نظارت قضایی بر تصمیم مقام یا مرجع اداری، تضمیناتی که می‌تواند تا حدی فقدان رعایت اصل برائت در مرحله رسیدگی اداری را جبران نماید، پیش‌بینی گردیده است. مثلاً قاضی می‌تواند بار اثبات دلیل را بر عهده اداره قرار دهد. از سوی دیگر، اداره مکلف به رعایت قوانین و مقررات و تشریفات قانونی در مراحل مختلف اخذ تصمیم خود است. نهایتاً، شخص مجازات‌شونده در طی مرحله اداری اعمال مجازات از اصل تفسیر به نفع متهم بهره‌مند می‌گردد. در همین راستا شورای دولتی در تصمیم ۲۹ ژانویه ۱۹۸۲ خود پذیرفته است که مقام اداری دارای صلاحیت شبه کیفری نمی‌تواند هنگامی که انجام یک تخلف محل تردید است، تصمیم به اعمال مجازات گیرد. در دعوی مزبور، شورای دولتی تصمیم شورای رقابت (مرجع اداری صادرکننده حکم به مجازات) را به این دلیل که عناصر پرونده مبین وقوع تخلف نبوده است، ابطال کرده است.

اگر چه، چنین احتیاطاتی می‌تواند منجر به کاهش اعمال مجازات‌های خودکامه گردد، اما ملاحظات مذکور نمی‌توانند خلأ اصل برائت در اعمال مجازات‌های اداری را به طور کامل جبران نماید. در واقع بدون رعایت اصل برائت سایر تضمینات رسیدگی کیفری یا شبه کیفری مانند حق دفاع برای متهم و بی طرفی مرجع رسیدگی نمی‌توانند مؤثر باشند. همچنین، اصل عدم تعلیق اجراء تصمیم اداری (مبتنی بر فرض قانونی بودن تصمیمات اداری) بر این مشکل خواهد افزود. در واقع، ممکن است در حالی که تصمیم مذکور در مراجع قضایی مورد اعتراض صورت گرفته است، قبلاً اجرا شده باشد. البته، دیوان اروپایی حقوق بشر اصل عدم تعلیق اجرای یک مجازات مالیاتی (افزایش مالیات) را با

اصل برائت سازگار تلقی نموده است.^{۳۵} دیوان استدلال نموده است که افزایش مالیات به عنوان مجازات نوعی فشار بر مالیات‌دهنده در جهت رعایت تعهدات مالیاتی وی می‌باشد و مهم‌تر از آن این است که مبلغ پرداختی در صورت اثبات عدم وقوع تخلف قابل استرداد است. البته واضح است که قابلیت بازگشت مجازات اعمال شده در همه موارد یکسان نیست. به همین جهت، در حقوق فرانسه، در بسیاری از مجازات‌های اداری، صرف اعتراض به تصمیم، تعلیق سیستماتیک اجرا را به دنبال خواهد داشت. شاید تعلیق اجرای مجازات راه حلی در جمع میان فرض قانونی بودن تصمیمات اداری (شبه کیفری) و فرض بی‌گناهی (اصل برائت) باشد.^{۳۶}

با این وجود، شورا اعمال تضمینات حوزه کیفری و اصل برائت را در مورد مجازات‌های اداری اعمال شده به وسیله دادگاه‌های اداری اختصاصی را پذیرفته است. در این مورد، می‌توان به مجازات‌های انضباطی اعلام شده به وسیله دادگاه‌های اداری اختصاصی (مانند مراجع شبه قضایی صنفی) اشاره نمود. همین طور می‌توان به اعمال این اصل در مجازات‌های اعمال شده به وسیله دیوان محاسبات یا مراجع انضباطی دانشگاهی (دادگاه اداری اختصاصی) اشاره کرد.^{۳۷} در دستور موقت ۱۴ ژانویه ۲۰۰۵ شورای دولتی با تمایز میان دادرسی انضباطی و

35. CEDH 23 juill. 2002 (deux arrêts), Janosevic et Västberga Taxi c/ Suède, reqs. no 34619/97 et 36985/97, Rec. 2002 VII, respectivement §§ 96 et ss et §§ 108 et ss. V., à ce propos, Flauss J-F., Droit et liberté fondamentaux, AJDA 2002, chron, p. 1227.

36. Dellis G., op. cit., p. 351, note n° 93.

37. CAA Nantes 7 déc. 1999, Rieul, req. 93N00813 ; CE 27 juill. 2005, Lucien Z, req. 263302.

دادرسی کیفری اعلام نمود که اصل برائت علاوه بر رسیدگی‌های کیفری در رسیدگی‌های انضباطی در دادگاه‌های اداری نیز قابل اعمال است.^{۳۸} همچنین در دستور موقت مورخه ۱۴ مارس ۲۰۰۵، شورا اصل برائت را که ضمان اصل آزادی و حق دفاع است، به عنوان یک حق بنیادین مورد شناسایی قرار داده است.^{۳۹} در جریان این پرونده یک استاد دانشگاه که تحت تعقیب کیفری و انضباطی به طور همزمان قرار گرفته بود، درخواست دادرسی فوری و صدور دستور موقت از شورای دولتی جهت توقف نقض اصل برائت در رسیدگی انضباطی را نموده بود. به رغم رد درخواست خواهان در خصوص استفاده از رسانه‌های گروهی برای پاسخ به سخنان و مطالب ناقض اصل برائت^{۴۰}، شورا کلیه مقامات اداری که به نحوی در جریان رسیدگی انضباطی دخالت دارند را از اخذ مواضع سیاسی و عمومی در خصوص رسیدگی‌های انضباطی و کیفری که مخالف با اصل برائت است منع نمود.

در حالی که شورای دولتی بارها اعلام نموده است رعایت اصل برائت تنها مربوط به رسیدگی در محاکم است، نوعی گرایش در حقوق داخلی به سمت گسترش قلمرو رعایت اصل برائت به مجازات‌های اداری دیده می‌شود. اگر چه شورای قانون اساسی ارزش اساسی این اصل را تنها در حقوق کیفری پذیرفته است، اما برخی حقوق‌دانان، شناسایی آن را به وسیله قانون‌گذار عادی برای

38. CE (référé) 14 jan. 2005, Bruno Gollnisch, AJDA 2005, p. 116 ; Furon X., Le pouvoir de police dans les universités, AJDA 2005, p. 755.

39. CE 14 mars 2005, Bruno X, AJDA 2005, p. 116 ; AJDA 2006, p. 505.

۴۰. به رغم شناسایی چنین حقی در ماده ۹ قانون مدنی، شورا با عنایت به ابعاد سیاسی اجتماعی ناشی از آثار احتمالی پاسخگویی شخص مورد تعقیب، از اعطاء چنین حقی به شخص مزبور خوداری نمود. در این پرونده، فرد مورد پیگرد مطالبی را در مجامع عمومی در انکار کشتار یهودیان و وجود اتاق‌های گاز در جریان جنگ جهانی دوم اظهار نموده بود.

اعمال آن کافی می‌دانند.^{۴۱} اگر چه نویسندگان مزبور به رویه قضایی شورای قانون اساسی در خصوص استدلال فوق‌الذکر استناد کرده‌اند اما باید گفت نظر شورا تنها ناظر به حمایت اشخاص مالیات‌دهنده در حوزه درآمد مالیاتی از طریق پیش‌بینی برخی تضمینات پس از صدور تصمیم اداری (امکان اعتراض قضایی و) است و نه رعایت اصل برائت در صدور تصمیم اداری. اگر شورای قانون اساسی جرائم مزبور را به عنوان مجازات‌های شبه کیفری تلقی نموده است همچنین شورا پذیرفته است که وجود فرض تقصیر یا گناه‌کاری غیرقانونی نیست.

شورای دولتی نهایتاً در تصمیم مورخه ۲۲ نوامبر ۲۰۰۰ لزوم رعایت اصل برائت در رسیدگی به یک مجازات اداری را پذیرفته است: در خصوص یکی از تصمیمات شبه کیفری شورای بازارهای مالی^{۴۲}، شورای دولتی اعلام نموده است که شورای بازارهای مالی (مرجع اداری با صلاحیت شبه کیفری) در تصمیم خود مبنی بر مجازات خواهان مرتکب اشتباه موضوعی و یا مرتکب اشتباه حکمی در رعایت اصل برائت نشده است.^{۴۳} همچنین در پرونده مشابهی که منجر به صدور مجازات از سوی مرجع بازارهای مالی (نهاد جایگزین شورای بازارهای مالی^{۴۴})^{۴۵} شورای دولتی به رعایت اصل برائت تصریح نموده است.^{۴۶}

41. Renoux Th. et deVilliers M., op. cit., p. 97.

42. Conseil des marchés financiers.

43. CE 22 nov. 2000, Soc. Crédit agricole Indosuez Cheuvreux, req. 207697.

۴۴. این نهاد از ادغام دو نهاد کمیسیون عملیات بررسی و شورا و بازارهای مالی و یک نهاد انضباطی دیگر تشکیل شده است.

45. Autorité des marchés financiers

46. CE 22 juil 2006 et 2 nov. 2002.

به رغم پذیرش اصولی اعمال فرض بی گناهی در مجازات‌های اداری، شورای دولتی، رعایت اصل برائت در مجازات‌های اداری کم اهمیت (با شدت کم) را نپذیرفته است. از نظر دیوان اروپایی نیز، در مواردی، به دلیل کمی اهمیت و شدت مجازات (در مجازات‌های اداری، و حتی مجازات‌های کیفری)، رعایت اصل برائت ضروری نمی‌باشد. در دعوای Duhs در تاریخ ۷ دسامبر ۱۹۹۰ کمیسیون اروپایی بر اساس منطق رویه قضایی Engel (شدت و اهمیت مجازات قانونی پیش‌بینی‌شده) تصریح می‌نماید که این تضمینات قابل اعمال در تخلفات خیلی کوچک (مانند پارک کردن در محل ممنوع) نمی‌باشد.^{۴۷}

البته ضروری است که در این خصوص میان حداکثر مجازات قابل اعمال قانونی و مجازات اعمال شده تفکیک قائل گردید. در واقع آنچه می‌تواند ملاک کم اهمیت بودن قرار گیرد شدت و ضعف حداکثر مجازات قانونی است و نه مجازات اعمال شده. بر خلاف چنین رویکردی، شورای دولتی اعلام نموده که، در مورد یک توبیخ اداری که از سوی مرجع بازارهای مالی صادر شده است، شرکت خواهان نمی‌تواند به اصولی چون شخصی نمودن مجازات‌ها یا رعایت اصل برائت در ماه ۶ کنوانسیون اروپایی استناد نماید، زیرا، مجازات اعمال شده از شدت بسیار پایینی برخوردار است.^{۴۸} در اینجا، تصمیم شورای دولتی مبتنی بر میزان مجازات صادره قرار گرفته است. همان گونه که آمد، این میزان مجازات قانونی است، که باید معیار اعمال یا عدم اعمال تضمینات دادرسی قرار گیرد؛ زیرا، در برخی موارد فاصله بسیار زیادی میان حداقل و حداکثر مجازات قانونی

47. CEDH 7 déc. 1990 Duhs c/Suède.

48. CE 2 nov. 2005, Soc. Banque privée Fideuram Wargny, AJDA 2006, IR p. 335; CE 22 juin 2006, Global Equities et autres, req. 293625.

ممکن وجود دارد. در واقع ممکن است مقام صادرکننده مجازات حداکثر را در نظر گیرد؛ امری که در ابتدای جریان رسیدگی قابل تشخیص نیست؛ و به همین جهت، اصل برائت باید از ابتدای رسیدگی مورد توجه قرار گیرد. مگر آنکه صلاحیت مقام تصمیم گیرنده صلاحیت تکلیفی و اعمال چنین و چنان مجازات خاص باشد، که در این صورت، مجازات اعمال شده همان مجازات قانونی است. به طریق اولی، در مورد صلاحیت تکلیفی قاضی نیز، در مواردی که مجازات مورد نظر از شدت نسبی برخوردار است، رعایت اصل برائت ضروری خواهد بود. همچنین در مواردی که «اداری» یا «انضباطی» تلقی نمودن دعوی می‌تواند به تغییر رژیم حقوقی حاکم بر آن‌ها منجر گردد، این امر قابل توجه است.

نکته حایز اهمیت در اینجا، توجه به مفهوم مجازات در رویه قضایی شورای دولتی است. در واقع، کلیه تصمیمات ناخوشایند مراجع و مقامات عمومی و اداری که در جهت انجام وظایف و اختیارات آنان اخذ می‌شود به خودی خود مجازات محسوب نمی‌گردد. از نظر شورای دولتی، اصل برائت فقط در دعاوی قابل اعمال است که در جریان رسیدگی، احتمال قانونی محکومیت شخص مورد تعقیب وجود داشته باشد. در تصمیم ۳۰ نوامبر ۱۹۹۴ در خصوص رد تقاضای فردی جهت حذف اطلاعات شخصی مربوط به وی در آرشیوهای اطلاعاتی از سوی شورای کمیسیون ملی اطلاعات و آزادی‌ها، شورای دولتی نظر داده که هیچ قانونی در ممنوعیت جمع‌آوری و حفظ اطلاعات مربوط به اشخاص، وجود ندارد و این به خودی خود منجر به نقض اصل برائت نمی‌گردد. به عبارت دیگر، باید از خلط میان مفهوم «محکومیت» و انجام این عمل (جمع‌آوری اطلاعات) خودداری نمود.^{۴۹}

49. CE 30 novembre 1994, AJDA 1995, Jurisprudence, p. 567.

به طور منطقی باید گفت در مورد مجازات‌هایی که داخل در قلمرو کیفری ماده ۶ کنوانسیون نیستند، رعایت اصل برائت ضروری به نظر نمی‌رسد. با این وجود به نظر می‌رسد که شورای دولتی رعایت اصل برائت را در برخی مجازات‌های اداری و انضباطی داخل در قلمرو مدنی ماده ۶ کنوانسیون نیز (البته بدون استناد به مقررات کنوانسیون) پذیرفته است.^{۵۰} شورای دولتی در تصمیم ۲۸ دسامبر ۲۰۰۱ خود با استناد به ماده ۹ اعلامیه حقوق بشر و شهروند ۱۷۸۹ رعایت اصل برائت را مورد پذیرش قرار داده است.^{۵۱} در تصمیم مزبور اگرچه شورا اعمال اصل برائت درخصوص یک مجازات اداری علیه کارمند را با استناد به اینکه مجازات مزبور یک مجازات انضباطی نیست، رد کرده است؛ اما با توجه به مفهوم مخالف نظر مزبور می‌توان نتیجه گرفت که اصل برائت در مجازات‌های انضباطی (که در خارج قلمرو کیفری ماده ۶ کنوانسیون قرار می‌گیرند) نیز قابل اعمال است. در هر حال شورا رعایت اصل برائت درخصوص مجازات‌های انضباطی صادره از محاکم اداری اختصاصی را قبلاً مورد پذیرش قرار داده است. اصل برائت ممکن است حتی در دعاوی که نه در حوزه کیفری و نه در حوزه مدنی مورد شناسایی رویه قضایی دیوان اروپایی قرار می‌گیرند نیز اعمال گردد. در این مورد می‌توان به دعاوی انضباطی نظامیان اشاره نمود. همین طور، هنگامی که در یک دعاوی انضباطی در بخش عمومی و دولتی مأمور مورد تعقیب در حوزه حاکمیت فعالیت می‌کند دعوی مشمول قلمرو ماده ۶ کنوانسیون قرار

۵۰. به رغم ماهیت شبه کیفری مجازات‌های انضباطی، دیوان اروپایی حقوق بشر این مجازات‌ها را نوعاً به دلیل فقدان شدت کم، آن‌ها را در حوزه مدنی دعاوی مشمول ماده ۶ کنوانسیون قرار داده است. نک: یآوری، اسدالله، حق برخورداری از یک دادرسی منصفانه و آیین دادرسی نوین، نشریه حقوق اساسی، سال اول، ۱۳۸۲، شماره ۲.

51. CE 28 déc. 2001, M. V., AJDA 2002, jurisprudence, p. 359.

نمی‌گیرد. در چنین مواردی قاضی می‌تواند با ارجاع به برخی اسناد و مقررات داخلی (اعلامیه ۱۷۸۹ و یا ماده ۹ قانون مدنی) قابلیت اعمال اصل برائت را استخراج نماید.^{۵۲}

ب - نسبت قابلیت اعمال اصل برائت در مجازات‌های اداری : فرض مسئولیت و تقصیر در موارد استثنایی

اگر تعریف و محتوای اصل برائت مقتضای تعهد عدم رفتار با متهم و یا حتی مظنون به عنوان مجرم در دادرسی کیفری است؛ با این وجود استثنائاتی در این خصوص، و به ویژه رسیدگی‌های شبه کیفری، وجود دارد. حتی با پذیرش قابلیت اعمال این اصل در رسیدگی‌های شبه قضایی، نحوه و مکانیزم اعمال آن دارای تفاوت‌های بنیادینی نسبت به رعایت آن در دادرسی کیفری می‌باشد. کمیسیون حقوق بشر اروپایی^{۵۳} بین مفاهیمی چون مجرمیت، تقصیر، انجام یک عمل و شناسایی مسئولیت مرتکب تفکیک قائل شده است.^{۵۴} از نظر

۵۲. علاوه بر اینکه بسیاری از کشورها در خصوص اعمال ماده ۶ بر این‌گونه دعاوی (به ویژه در خصوص دعاوی انضباطی نظامیان) از حق رزرو استفاده کرده‌اند، رویه قضایی دیوان نیز در این موارد از نوعی سیاست احتیاطی استفاده نموده است. در واقع در آنچه که مربوط به هسته مرکزی وظایف حاکمیتی کشورهای عضو است، دیوان سعی در توجه به این موضوع داشته است. بر این اساس، خواه در مورد قابلیت اعمال ماده ۶ و خواه در نحوه و مکانیزم اعمال آن، دیوان انعطاف زیادی را در رویه قضایی خود (در جهت عدم تحریک کشورهای عضو کنوانسیون در مقابله با تصمیمات) نشان داده است.

۵۳. این کمیسیون که به عنوان مرجع ابتدایی رسیدگی در مکانیزم نظارت قضایی کنوانسیون (قبل از ارجاع پرونده به دیوان) پیش‌بینی گردیده بود، براساس پروتکل الحاقی شماره ۱۱ (در سال ۱۹۹۸) حذف، و دیوان اروپایی دایمی جایگزین آن شده است.

54. Comm. EDH 5 mai 1993(décision sur la recevabilité), A. V. c/ France, req. 18563/91.

کمیسیون، مجرمیت باید به وسیله یک مرجع قضایی به اثبات برسد. حال آنکه تایید انجام یک عمل ممکن است به وسیله یک مقام اداری انجام گردد برای مثال، مأمور گمرک (مقام اداری) طی صورت‌جلسه کشف کالای قاچاق را تأیید می‌کند؛ اما این مقام قضایی است که در خصوص مجرمیت شخص مورد نظر از حیث کیفری تصمیم می‌گیرد. در واقع، صورت‌جلسه نوشته‌شده به وسیله مأمورین، تنها اعتبار تأیید یک عمل را داشته و نه اثبات مجرمیت. با این وجود، صرف تأیید عمل یادشده می‌تواند منجر به شناسایی مسئولیت مرتکب بر اساس فرض تقصیر و، به تبع آن، صدور حکم به مجازات اداری (نوعاً پرداخت جرائم مالی در امور مالیاتی، گمرکی و همچنین در تخلفات رانندگی) به نحو سیستماتیک گردد. در این حالت، تحقق عنصر معنوی در رسیدگی شبه قضایی فرض بوده و به صرف اثبات وقوع عمل (عنصر مادی) و شناسایی آن به عنوان تخلف یا جرم از سوی قانون‌گذار (عنصر قانونی) شخص مرتکب مسئول بوده و مورد مجازات قرار می‌گیرد. این امر در مورد برخی جرائم در مقررات کیفری نیز وجود دارد.

به رغم شناسایی و تحمیل سیستماتیک مسئولیت و مجازات پیش‌بینی‌شده برای آن، چگونه می‌توان از رعایت اصل برائت سخن گفت؟ در پرونده Salabiaku علیه فرانسه، دیوان اروپایی حقوق بشر تفکیک میان فرض بی‌گناهی و فرض مسئولیت را می‌پذیرد^{۵۵}. در این رأی دیوان تصریح می‌کند کشورهای عضو کنوانسیون در مجازات کیفری یک عمل غیر قانونی آزاد بوده و می‌توانند بر اساس عناصر سازنده یک تخلف، مجازات آن را تعیین نمایند. کشورها می‌توانند همیشه و تحت بعضی شرایط، درانجام یک عمل مادی که خارج از رفتار عادی (معیار عرفی) انجام گرفته، به خودی خود (صرف نظر از نوع عنصر معنوی) و براساس فرض تقصیر، فاعل را مسئول تلقی نمایند.

55. CEDH 7 oct. 1988, Salabiaku c/ France, A 141, § 28.

همین‌طور شورای قانون اساسی فرانسه به طور استثنائی فرض مسئولیت مالی ناشی از تخلفات جاده‌ای را پذیرفته است.^{۵۶} شورا ضمن تصریح به این امر که قانون‌گذاران نمی‌توانند فرض تقصیر و مجرمیت را در حوزه مجازات برقرار نمایند، پذیرفته است که به طور استثنائی فرض تقصیر به ویژه در حوزه تخلفات قابل اعمال است. این امر مشروط به آن است که حقوق دفاعی متهم مورد رعایت قرار گرفته باشد و اعمال مورد نظر به طور منطقی قابلیت انتساب به شخص مورد تعقیب را داشته باشند. در مقابل، قانون‌گذار اجازه می‌دهد که شخص مورد نظر با استناد به فورس ماژور، فرض تقصیر را زائل نموده و یا با استناد به عناصر موجه، ثابت نماید که نامبرده مرتکب تخلف مزبور نشده است.

اگر چه قانون‌گذار در بند ۳ ماده ۲۱ قانون مربوط به تخلفات جاده‌ای تصریح نموده است که شخصی که موظف به پرداخت عوارض یا جریمه است از نظر کیفری مسئول نیست. اما به نظر می‌رسد که مسئولیت مالی مورد شناسایی در این ماده به خودی خود فرض تقصیر باشد. در این مفهوم شورای قانون اساسی به طور صریح اصطلاح فرض تقصیر را به کار برده است، مع الوصف شخص متخلف می‌تواند جریمه مربوط را در انتظار تصمیم قاضی کیفری (تا صدور رأی مرجع قضایی) پرداخت ننماید (منظور داشتن حق اعتراض نسبت به حکم و امکان تقاضای تجدید نظر می‌باشد). به عبارتی، بر اساس اصل برائت شخص متخلف تا زمان صدور حکم مرجع قضایی در تأیید تصمیم مرجع اداری یا شبه قضایی بی‌گناه فرض می‌شود. به رغم وجود چنین امکانی، به دلیل اینکه شخص متخلف در زمان شکایت قضایی می‌بایست به نحوی پرداخت متأخر جریمه مزبور را تضمین

56. CC 16 juin 1999, déc. n° 99-411DC, considérant 5.

نماید، این راه حل کمتر مورد استفاده متخلفین در این حوزه (که تعداد متنابهی از افراد را شامل می‌گردد) قرار می‌گیرد.^{۵۷}

اگر چه در حوزه تخلفات اداری و نقض قوانین و مقررات اداری، چنین مسئولیتی از نظر شکلی تنها به منزله شناسایی تقصیر در وقوع یک تخلف اداری بوده و فاقد عنوان کیفری در مفهوم مضیق است^{۵۸}؛ و شخص محکوم امکان اعتراض به مراجع قضایی (دادگاه‌های اداری یا کیفری) به انضمام تعلیق سیماتیک اجرای مجازات را خواهد داشت، اما با فرض قانونی تقصیر، در نظارت قضایی نیز رعایت اصل مزبور امکان‌پذیر نخواهد بود؛ زیرا، قاضی نیز مقید و محدود به رعایت فرض قانونی مزبور است. تفاوت در اینجا، مربوط به مواردی است که در رسیدگی قضایی ممکن است، عدم وقوع عمل مورد تعقیب اثبات گردد.

بر همین اساس، دیوان دولتهای عضو را ملزم به عدم گذر از یک حد آستانه در فرض مسئولیت می‌نماید. از سوی دیگر، از نظر دیوان، فرض مسئولیت از سوی قانون‌گذار به محدود نمودن حاشیه عمل قاضی در رسیدگی خود (نظارت قاضی عمومی یا اداری بر تصمیمات مقامات اداری یا شبه کیفری) گردیده و در نتیجه وجود اصل برائت در رسیدگی فاقد اثر عملی می‌گردد. در نتیجه، این امر به منزله صلاحیت تکلیفی قاضی در مسئول شناختن مرتکب و همچنین در تعیین میزان مجازات آن خواهد بود. در نتیجه، اگر فرض کنیم عبارت « قانوناً اثبات

۵۷. در یکی از آراء دیوان عالی کشور توقیف وسیله نقلیه شخص متخلف به منظور تصمیم پرداخت جریمه مغایر با اصل برائت شناخته نشده است. زیرا، از نظر دیوان توقیف یادشده به عنوان یک اقدام تأمینی و نه تأیید و اثبات مجرمیت تلقی شده است.

۵۸. البته در برخی از مقررات کیفری، قانون‌گذار با مفوض دانستن عنصر معنوی صرف وقوع عمل مورد نظر را به منزله تحقق عمل مجرمانه تلقی نموده است.

شده یا اثبات قانونی « عمل مورد تعقیب محدود به قانون داخلی است، ممکن است با مواردی چون فرض مسئولیت و تقصیر، اصل برائت عملاً به وسیله قانون‌گذار داخلی نقض گردد. بنابراین، شناسایی این حاشیه مانور برای قانون‌گذاران داخلی مشروط به آن است که در مرحله نظارت قضایی بر تصمیمات مراجع شبه قضایی یا (تصمیمات شبه کیفری مقامات اداری)، قاضی قدرت ارزیابی و تغییر و تعدیل تصمیمات مرجع مزبور را داشته باشد.^{۵۹}

مبحث دوم: تفسیر موسع از محتوی اصل برائت

بر اساس رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر اصل برائت که به عنوان بنیادی‌ترین تضمین دادرسی کیفری محسوب می‌گردد، مبین آن است که در جریان دادرسی، اعضای دادگاه و سایر مقامات قضایی نباید بر اساس این تصور که متهم^{۶۰} مرتکب عمل مورد نظر شده است، رسیدگی را انجام دهند. در واقع، برائت در مفهوم ایجابی به معنی فرض عدم ارتکاب فعل یا ترک فعلی که شخص برای آن مورد تعقیب قرار گرفته است، و در مفهوم سلبی، برائت عبارت است از عدم فرض گناه کاری شخص متهم. بر همین اساس، اگر چه، شخص یا

59. CEDH 7 oct. 1988, Salabiaku c/ France, A 141, §§ 28 et 29.

۶۰. در خصوص مفهوم « متهم »، از نظر کمیسیون اروپایی (سابق) و دیوان مفهوم یاد شده محدود به قلمرو شکلی آن و اعلام رسمی و کتبی از سوی مراجع ذیصلاح نبوده، بلکه لازم است شرایط مادی که در آن شخص مظنون عملاً به عنوان متهم مورد برخورد قرار می‌گیرد، ملاک توجه باشد. بر همین اساس مرحله تحقیق (از مراحل کلاسیک دادرسی کیفری) نیز مشمول رعایت این اصل قرار می‌گیرد. این نظر دیوان، سپس، از سوی دیوان عالی کشور فرانسه (با تغییر رویه قضایی خود که مخالف چنین رویکردی بود) مورد پیروی قرار گرفت. Comm. EDH 1er juill. 1991, X c/ Espagne, req. N° 15921/90, DR 71/236, CEDH 25 août 1987 Lutz c/ Allemagne, A 123, Berger, n° 104;

Cass. crim. 4 juin 1998, Bull. n° 184, p. 502.

اشخاص واردکننده اتهام، موظف به اعلام اینکه شخص مورد تعقیب متهم به ارتکاب چه عملی گردیده است (تفهیم اتهام)، می‌باشند، بار اثبات ادعا برعهده مرجع یا مقام واردکننده اتهام می‌باشد و متهم از اصل تردید بهره می‌برد^{۶۱}. به دیگر سخن، اصل برائت به عنوان تضمینی است برای متهم در مقابل دادرسان و به طور کلی دولت و مراجع عمومی، به منظور ممانعت از اینکه وی، قبل از رسیدگی به جرم و اثبات آن در دادگاه و مطابق قانون، به عنوان مجرم تلقی گردد^{۶۲}. هر گونه عملی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم، صریح یا ضمنی منجر به ایجاد ذهنیت مجرمیت شخص مورد تعقیب گردد به عنوان نقض اصل برائت محسوب می‌شود. این دیدگاه دیوان و تلقی موسع قضات دیوان از مفهوم حوزه کیفری، یعنی فراتر از آنچه در حقوق داخلی مورد نظر است، قضات داخلی (به ویژه قضات محاکم عمومی) را نیز به پیروی از این رویکرد گسترشی هم از نظر محتوی اصل، و هم از حیث قلمرو آن، رهنمون ساخت.

البته، اعمال و سخنانی که مبین تلقی مجرمیت شخص مورد تعقیب هستند باید به طور مشخص و قطعی فرد مورد تعقیب را هدف قرار داده باشند. در رسیدگی دادگاه تجدید نظر پاریس به یکی از تصمیمات یک مرجع شبه قضایی (شورای رقابت^{۶۳}) با صلاحیت‌های شبه کیفری، قاضی دادگاه به این امر تصریح نموده است: چنانچه سخنان یکی از اعضای شورای رقابت در یک مصاحبه مطبوعاتی (که صرفاً به پرونده مورد نظر اشاره نموده است) انعکاس دهنده این احساس که اعمال مورد تعقیب غیر قانونی بوده است، باشد، این امر نقض اصل

61. CEDH 6 déc. 1988, Barberà, Messegué et Jabardo c/ Espagne, A 146, § 77.

62. Comm. EDH 4 mai 1993, req. 13616/88, § 86.

63. Conseil de la concurrence.

برائت است؛ اما در مواردی که چنین فرضی وجود نداشته و شخص مورد نظر در اظهارات و یا رفتار خود هیچ گونه جانب‌داری یا پیش‌داوری قابل مشاهده و پیش فرضی نداشته است، صرف سخن گفتن از پرونده، نقض اصل بی طرفی نخواهد بود. همین دادگاه در بیانی عام تر، تصریح نموده است: اصل آزادی بیان اقتضا می‌کند که فقط در مواردی که نوشته یا بیان محل نزاع دربر دارنده نتایج قطعی در محکومیت شخص مورد تعقیب است، معتقد به نقض اصل برائت باشیم.^{۶۴}

همچنین، دادگاه تجدید نظر پاریس (مرجع قضایی نظارت بر تصمیمات کمیسیون معاملات بورس به عنوان یک مرجع شبه قضایی با صلاحیت‌های شبه کیفری) در تصمیم خود در ۶ آوریل ۱۹۹۴ در مورد یک جریمه مالی صادره از سوی کمیسیون معاملات بورس، تصریح نموده، تا زمانی که نام شخص مورد نظر به طور عمومی در خصوص موارد اتهامی اعلام نگردیده است اصل برائت نقض نگردیده است.^{۶۵} در دعوای مذکور، رئیس کمیسیون، قبل از صدور رأی، در یک مصاحبه مطبوعاتی، اقدامات انجام شده به وسیله متهم را مورد سرزنش قرار داده بود. در مرحله بعد، تصمیم دادگاه تجدید نظر در دیوان عالی کشور نقض می‌گردد. دیوان استدلال نموده است که، با توجه به اینکه قبل از اعلام محکومیت شرکت، رئیس کمیسیون اظهاراتی با این مضمون نموده است که شرکت مزبور مرتکب اعمال خلاف قانون شده، اصل برائت نقض شده است.^{۶۶}

همچنین در پرونده مشهور اوری (Oury) رئیس کمیسیون معاملات بورس، قبل از رسیدگی کمیسیون و اعلام تصمیم، اعمال انجام شده وسیله شرکت مورد

64. CA Paris 15 juin 1999, Canal Plus, Gaz. Pal., 14 déc. 2000.

65. CA Paris 6 avr. 1994, Ciments français, Bull. 1996, n° 179.

66. Cass. comm. 18 juin 1996, Conso, Bull. 1996, IV, n° 179 p. 155.

تعقیب را مورد سرزنش قرار داده بود. دادگاه تجدید نظر پاریس که فرصت مجدد در تصمیم‌گیری نسبت به موضوع را یافته بود؛ در ۱۰ سپتامبر ۱۹۹۶ یکبار دیگر بر این اساس که اعمال ارتكابی به وسیله شخص مزبور به عنوان سرزنش و محکومیت شرکت یادشده محسوب نمی‌گردد نقض اصل برائت را رد کرده بود.^{۶۷} به علاوه در تصمیم اخیر، دادگاه تجدید نظر استدلال جدیدی را مطرح نموده بود: رئیس کمیسیون که از پست یادشده استعفا نموده، و در تصمیم‌گیری مربوط به شروع به تعقیب و در صدور حکم کمیسیون شرکت نداشته است. یکبار دیگر شعبه اقتصادی دیوان عالی کشور رأی دادگاه تجدید نظر پاریس را نقض می‌نماید.^{۶۸} دیوان استدلال کرده است که این امر که رئیس مستعفی کمیسیون در جریان شور مربوط به تعقیب شرکت مورد نظر، و همچنین اخذ تصمیم در ماهیت حضور نداشته است، اهمیت زیادی ندارد، زیرا، اعلام محکومیت یک شخص قبل از صدور رأی مغایر با اصل برائت است. دادگاه تجدید نظر پاریس نهایتاً پس از نقض حکم توسط دیوان عالی کشور مبادرت به ابطال تصمیم کمیسیون عملیات بورس می‌نماید. با این استدلال که سخنان رئیس کمیسیون مغایر با بند ۲ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ماده ۹ اعلامیه ۱۷۸۹ حقوق شهروندان فرانسه و به تبع آن، ناقض اصل برائت بوده است. سرانجام، هیئت عمومی دیوان عالی کشور در چند تصمیم متوالی، به ویژه تصمیم ۵ فوریه ۱۹۹۹، رویه قضایی شعبه تجاری دیوان را در این خصوص مورد تأیید

67. CA Paris 7 mai 1997, Oury c/ Agent judiciaire du Trésor et autres, D. 1998, Somm p. 77 obs. Y. Reinhard.

68. Cass. comm. 1 déc. 1998, Bull. 1998, IV, n° 283, p. 237.

قرار داد^{۶۹}. این رأی در آرای بعدی دادگاه تجدید نظر پاریس مورد اشاره و استناد قرار گرفت^{۷۰}.

به رغم تأثیرپذیری قابل توجه قاضی عمومی از رویه قضایی دیوان اروپایی در تفسیر موسع از محتوای اصل برائت در جهت حمایت بیشتر از شخص یا اشخاص مظنون به انجام اعمال خلاف قانون و مورد تعقیب، رویکرد قاضی اداری محافظه‌کارانه‌تر به نظر می‌رسد. به عنوان مثال، شورای دولتی، در رسیدگی به شکایت یک قاضی در رسیدگی انضباطی علیه وی، انتشار نظر شورای عالی قضایی را در مورد تعقیب انضباطی علیه یک قاضی دادسرا در بخش ضمایم گزارش سالیانه به عنوان نقض اصل برائت شناسایی ننموده است^{۷۱}.

مبحث سوم: رعایت اصل برائت در مراحل مختلف رسیدگی

این اصل از شروع تعقیب تا زمانی که مجرمیت یا وقوع جرم به صورت قانونی احراز شده است اعمال می‌گردد. بر این اساس از یک سو می‌توان رعایت

69. Cass. ass. plén. 5 fév. 1999, Bull.1999, n° 1 p. 1; Gaz. Pal., 1999-02-25, n° 56, p. 8, note M-A. Lafortune, J-M. Degueudre, L. Gramblat et M. Herbière ; RJDA, 1999, n° 3, p. 203, note A. Couret ; JCP 1999-03-31, n° 13, p. 636, note H. Matsopoulou.

۷۰. دادگاه تجدید نظر پاریس در ۲ ژوئیه ۱۹۹۹ مجدداً فرصت قضاوت در مورد یکی از آرای کمیسیون معاملات بورس را در موضوع مشابه، پیدا نمود. دادگاه در تصمیم خود ضمن اعلام نقض اصل برائت اشاره نموده : با توجه به اینکه، در گزارش سالیانه کمیسیون معاملات بورس اشاره به پرونده‌ای شده است که هنوز در جریان بوده، اما عبارات به کار رفته در گزارش مؤید این تصور که اعمال مورد تعقیب قطعاً به وسیله شخص مورد نظر انجام شده اند (یعنی کمیسیون تلقی انجام عمل مجرمانه را داشته است نه ظن به انجام آن)، این امر ناقض اصل برائت است.

۷۱. CE 14 avr. 2005 (juge des référés), Z, AJDA 2005, IR p. 1919.

اصل را در مرحله قبل از صدور حکم و از سوی دیگر در مرحله اعتراض قضایی به حکم بررسی کرد. از نظر دیوان اروپایی حقوق بشر، همان‌طور که فرض بی گناهی باید قبل از صدور حکم رعایت گردد، پس از صدور قرار منع تعقیب یا تبرئه متهم نیز این اصل لازم‌الرعايه است. در دعوای Minelli علیه سوئیس در جایی که یک دادگاه داخلی (پس از منع صدور منع تعقیب به دلیل پایان مهلت قانونی) شخص مورد تعقیب را محکوم به پرداخت هزینه‌های دادرسی نموده بود، دیوان این تصمیم را خلاف اصل برائت به شمار آورد.^{۷۲} در واقع استناد دادگاه به اینکه، در صورت ادامه رسیدگی شخص مورد تعقیب مطمئناً محکوم می‌گردد، مخالف اصل بی گناهی است.

الف - اعمال اصل برائت از شروع به رسیدگی تا صدور حکم

رعایت این اصل برائت در مراحل مقدماتی و قبل از صدور حکم دارای اهمیت بنیادین است زیرا، در واقع در همین مراحل است که مقامات صالح به تعقیب به دنبال جستجوی دلایل احراز تقصیر و مجرمیت می‌باشند. با این وجود براساس نظر شورای دولتی فرض بی گناهی مانع از آن نیست که مقامات صالح به تعقیب و تحقیق به جمع‌آوری دلایل و مدارک گناهکاری شخص مزبور اقدام نمایند.^{۷۳}

به رغم این امر، از نظر دیوان اروپایی حقوق بشر سکوت متهم در مقابل نیروهای تجسس به خودی خود به عنوان یک مدرک مجرمیت یا تقصیر

72. CEDH 25 mars 1983, Minelli c/ Suisse, A 62, § 37.

73. CE 14 avr. 2005, req. 279473.

محسوب نمی‌گردد: در پرونده Funke علیه فرانسه در خصوص امتناع شخص مورد تعقیب مأمورین گمرک از ارائه مدارک خاصی که می‌توانست در جهت محکومیت وی مورد استفاده قرار گیرد، دیوان تصریح نموده است که هر متهم می‌تواند سکوت نموده و موجبات محکومیت خود را فراهم ننماید.^{۷۴} با این وجود، دیوان در تصمیمی مؤخر (۸ ژوئیه ۱۹۹۶ دعوی مولای علیه انگلیس) موضع خود را تا حدی منعطف نموده است.^{۷۵}

معیار دیوان در این انعطاف دیدگاه، بیشتر در نظر گرفتن شرایط و اوضاع و احوال موردی در هر دعوا است. به عبارت دیگر، در برخی مواقع، قاضی می‌تواند در شرایط و اوضاع و احوال خاص سکوت متهم را به عنوان مدرکی علیه او مورد استفاده قرار دهد. دیوان تصریح نموده است که به رغم اینکه یک محکومیت صرفاً مبتنی بر سکوت متهم یا امتناع وی از پاسخگویی قرار گیرد ممنوع است، اما واضح است که چنین ممنوعیت‌هایی مانع از در نظر گرفتن سکوت شخص مورد تعقیب (در شرایطی که اقتضاء توضیح از سوی او وجود دارد) به عنوان عنصری در تأیید اتهامات علیه شخص مورد تعقیب نخواهد بود. بر این اساس دیوان نتیجه می‌گیرد که استفاده از حق سکوت یا امتناع از پاسخگویی حق مطلق نیست. در واقع، عدم اعتراف با وجود ادله ثابت کننده جرم می‌تواند خود عاملی برای تأیید وقوع تخلف یا جرم باشد.

برای تقویت رعایت اصل برائت، قانون‌گذار براساس بند ۴ قانون اصلاحی ۱۹۹۳ (ماده ۸۰ بند ۱ از قانون آیین دادرسی کیفری) بخش جدیدی را به جای تفهیم اتهام تحت عنوان «مورد رسیدگی دادن» در قانون آیین دادرسی پیش‌بینی

74. CEDH 25 fév. 1993, Funke c/ France, A 256-A, § 44.

75. CEDH 8 fév. 1996, John Murray c/ Royaume-Uni, Rec. 1996-I, § 47.

نموده است. در واقع این اصلاحیه براساس عدم سازگاری موضوع " تفهیم اتهام " با اصل برائت بوده است. همچنین براساس ماده ۴۷ قانون اصلاحی یادشده که به عنوان ماده ۹ قانون مدنی قرار گرفته است، و همچنین ماده ۵۰ مقرر، حق پاسخگویی را در موارد توزیع و انتشار اطلاعات مقرون به محکومیت برای شخص مورد تعقیب پیش‌بینی کرده است. براساس ماده ۵۰ قانون فوق‌الذکر (الحاق یک تبصره به ماده ۱۳ قانون در مرحله تعقیب کیفری ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱ درخصوص آزادی مطبوعات): « منوط به رعایت تبصره‌های قبل، هر شخصی که به وسیله یک مجله یا نشریه دوره‌ای به عنوان محکوم مورد اشاره قرار گیرد، می‌تواند ظرف مدت ۳ ماه از زمانی که حکم تبرئه یا قرار موقوفی تعقیب به صورت قطعی صادر شده است به پاسخگویی در مطبوعه مزبور پرداخته و نشریه مورد نظر ملزم به درج آن می‌باشد».

البته در مرحله تحقیقات، از یک‌سو به وسیله محرمانه بودن تحقیقات و از سوی دیگر به وسیله حق پاسخ‌گویی متهم در خصوص افشاء اطلاعاتی که می‌تواند ناقض این اصل باشد، رعایت فرض بی‌گناهی و همچنین تضمینات مربوط به نقض آن عینیت می‌یابد. اگر رعایت این دو عنصر در دادرسی کیفری مورد توجه قرار گرفته است، اما رعایت آن‌ها در دادرسی اداری و به طور خاص در مجازات‌های اداری مورد توجه قانون‌گذار قرارنگرفته است.

به علاوه، گرچه مقامات مداخله‌کننده در مرحله قبل از صدور حکم ملزم به رعایت اصل برائت می‌باشند، اما این الزام شامل اقدامات تأمینی نمی‌گردد. اخذ یک تصمیم موقت بدون اظهار نظر در ماهیت دعوی، علیه شخصی که تحت تعقیب کیفری یا انضباطی قرار گرفته است نمی‌تواند به منزله نقض اصل بی‌طرفی تلقی گردد. این امر، در مورد اصل برائت نیز صادق است. در واقع عدم اعمال اصل برائت درخصوص اقدامات تأمینی مبتنی بر آن است که هدف چنین

اقداماتی رسیدگی به ماهیت پرونده نیست بلکه در جهت پیشگیری و بر مبنای نفع عمومی و، به ویژه، حفظ نظم عمومی است. شعبه دوم مدنی دیوان عالی کشور در تصمیم ۲۰ نوامبر ۲۰۰۳، نظر یکی از دادگاه‌های تجدید نظر در خصوص عدم مغایرت اقدامات تأمینی صادره به وسیله مرجع بدوی با اصل برائت را مورد تأیید قرار داده است.^{۷۶}

همین‌طور براساس بند ۱۲ ماده ۱۳۸ قانون آیین دادرسی قضایی تحقیق یا قضای آزادی‌ها یا قضای بازداشت موقت، می‌توانند مبادرت به اخذ برخی اقدامات به ویژه براساس نگرانی موجه از وقوع جرم جدید نمایند. بر اساس این ماده، قضای صلاحیت‌دار می‌تواند شخص مورد تعقیب را ملزم به ماندن در محل خاص، عدم رفت و آمد در محل خاص، عدم انجام برخی فعالیت‌های حرفه‌ای یا اجتماعی یا ممنوعیت انجام برخی فعالیت‌های سندیکایی (درموردی که جرم ناشی از اجرای چنین فعالیت‌هایی است و بیم وقوع مجدد جرم می‌رود) نماید. چنانچه فعالیت مزبور عبارت از فعالیت وکالت باشد کانون وکلا (که از طرف مقامات صلاحیت‌دار دادسرا مطلع گردیده است) می‌تواند مبادرت به اخذ اقدامات فوق‌الذکر با رعایت مقررات مربوطه نماید.

بر این اساس، اصل برائت به عنوان بنیادی‌ترین تضمین حوزه کیفری قابل اعمال خواهد بود. علاوه بر اقدامات تأمینی در دادرسی‌های کیفری وجود اقدامات تأمینی در دادرسی‌های اداری شبه کیفری نیز ضرورت دارد. به عنوان مثال ممنوعیت موقت انجام حرفه تا زمان صدور حکم و یا تعلیق یک کارمند تا زمان صدور حکم انضباطی از مصادیق اقدامات تأمینی در مجازات‌های اداری است. در واقع چنین اقداماتی فقط در جهت حفظ منافع سرویس اداری مربوط بوده و

76. Cass. 2ème civ. 20 nov. 2003, D. 2003, IR p. 3010.

صدور حکم ماهوی در خصوص موضوع و شخص مورد تعقیب نیست. علاوه بر این، در خصوص مجازات‌های انضباطی اخذ اقدامات تأمینی یکی از امتیازات و صلاحیت‌های مقام اداری است که آن را می‌توان به عنوان بخشی از صلاحیت‌های سلسله‌مراتبی مقام مافوق که حتی بدون فرض قانونی نیز وجود دارد، در نظر گرفت.

از نظر شورای دولتی، براساس منطق قانونی بودن اقدامات تأمینی، فرض بی‌گناهی در مورد شخصی که مورد تعقیب کیفری قرار دارد مانع از اخذ اقدامات تأمینی علیه این شخص به وسیله مقامات اداری نمی‌گردد. به عبارت دیگر چنین اقداماتی به عنوان مجازات فرض نمی‌شود و به تبع آن لزومی در رعایت تضمینات رسیدگی به مجازات (من جمله اصل برائت) نیز وجود ندارد.^{۷۷} شورای دولتی تصریح نموده است که دستور ممنوعیت موقت انجام یک حرفه یا دستور بستن موقت یک محل کار به وسیله یک مقام اداری به منزله نقض اصل برائت قلمداد نمی‌گردد. به عنوان مثال در خصوص یکی از تصمیمات اداری براساس ماده ۱۷۵۰ قانون عمومی مالیات‌ها که بر اساس آن دستور ممنوعیت فعالیت یک تاجر صادر گردیده بود (و در همان زمان کمیسیون مالیاتی مربوطه علیه این تاجر دعوایی را نزد مراجع کیفری مطرح نموده بود)، شورا اعلام نمود که چنین اقدامی نه با هدف و نه با موضوع اصل برائت ناسازگار نبوده و به منزله نقض این اصل در دادرسی کیفری فراهم نمی‌باشد.^{۷۸} مثال دیگر می‌توان تعلیق موقت جواز یک کارخانه به شمار آورد.^{۷۹} در این پرونده شورای دولتی تصریح نموده

77. CE 11 juin 2002, 22 sept. 1993 et 6 nov. 1946.

78. CE 6 nov. 1946, Dumesnil, Rec. p. 256 ; CE 22 sept. 1993, Sergène, Rec. p. 803, CAA Douai 11 juill. 2002, AJDA 2003, IR p. 151.

79. CE 14 mai 2003, Fédération départementale des chasseurs de Gironde, req. 237998.

است که با توجه به ضرورت اقدامات مربوط به نظم عمومی چنین تعلیقی کاملاً موجه بوده، و ناقض اصل برائت نیست. زیرا، اقدام مذکور مربوط به مرحله قبل از صدور حکم مقام ذیصلاح بوده و به هیچ عنوان قضاوت و ارزیابی در ماهیت دعوی محسوب نمی‌گردد.

در هر حال، با پذیرش ضرورت اقدامات تأمینی ایجاد سازش بین اصل برائت و این اقدامات مشکل به نظر می‌رسد. از نظر ژاک لوکالوز سازگاری بین این دو ضرورت بسیار مشکل است، زیرا، یکی از مبانی اقدامات تأمینی پیش‌گیری از وقوع جرم یا تخلف جدید است^{۸۰} در واقع، ما از یک تخلف جدید صحبت می‌کنیم، و این امر خود به منزله آن است که وقوع یک تخلف یا جرم (قبلی) مفروض گرفته می‌شود. در واقع، برای اثبات همین تخلف مفروض است که شخص مورد نظرتحت تعقیب قرار گرفته است. بر این اساس و در چنین وضعیتی، چگونه می‌توان ادعا نمود که فرض بی‌گناهی شخص متهم را از هر گونه اعلام رسمی یا ظهور خارجی گناهکاری (قبل از صدور حکم) مصون نگاه می‌دارد.

علاوه بر این، در برخی موارد اقدامات تأمینی دارای شدت معادل یا حتی بیشتر از مجازات نهایی در انتظار شخص مورد تعقیب می‌باشد. به عنوان مثال می‌توان به مدت مفرط تعلیق یک کارمند اداری در انتظار رأی نهایی مرجع انضباطی و یا مرجع کیفری اشاره نمود. در واقع چنین تعلیقی می‌تواند دارای آثار مادی و معنوی بسیار شدید و مهم‌تر از خود مجازات کیفری یا انضباطی بر وضعیت شخص مورد نظر باشد. همین طور می‌توان به تعلیق موقت فعالیت

80. Le Calvez J., L'inculpation, la présomption d'innocence, Gaz. Pal, 31 oct. 1987, pp. 2 et 3.

صاحب یک حرفه آزاد (مثلاً تعلیق موقت یک پزشک) در انتظار رأی نهایی مرجع انضباطی اشاره نمود. البته در مورد تعلیق کارمند دولت، قانون‌گذار سعی در کاهش چنین آثاری نموده است. بر همین اساس در مورد تعلیق انضباطی پیش‌بینی شده است که حقوق شخص مورد تعقیب به طور کامل و یا به طور جزئی حسب موقعیت کارمند در طی دوره رسیدگی انضباطی یا کیفری حفظ گردد.

در هر حال بر اساس نظر دیوان اروپایی حقوق بشر در رأی ۲۵ اوت ۱۹۷۸ Engel علیه آلمان، ضروری است که در چنین مواقعی برای شخصی که مورد هدف چنین اقداماتی قرار گرفته است امکان درخواست جبران خسارت وجود داشته باشد^{۸۱} مثال کلاسیک چنین وضعیتی را می‌توان در بحث بازداشت موقت مشاهده نمود. بر همین اساس، قانون‌گذار فرانسوی در قانون ۲۵ ژوئن ۲۰۰۰ تحت نفوذ رویه قضایی اروپایی مسئله جبران خسارات شخصی که پس از بازداشت موقت تبرئه شده است را مورد توجه قرار داده است. مطابق مقررات مزبور، به محض درخواست شخصی که پس از بازداشت موقت تبرئه شده است جبران خسارت به صورت سیستماتیک انجام می‌گردد. در واقع در مورد امکان جبران خسارت پس از تقاضای ذی‌نفع اصطلاح قبلی در ماده ۱۴۹ قانون آیین دادرسی کیفری « می‌تواند مورد پذیرش قرار گیرد » بوده است در حالی که در اصلاحیه جدید عبارت است از جبران خسارت « پذیرفته می‌شود ».

موضوع مورد بحث در خصوص اقدامات تأمینی را در خصوص اقدامات مقامات و مراجع اداری در جهت حفظ نظم عمومی، نیز می‌توان مطرح نمود: آیا

81. CEDH 25 août 1978, Engler c/ Allemagne, A 123, §

اصل برائت در مورد اقدامات مربوط به حفظ نظم عمومی، اقدامات مربوط به حفظ نظم داخلی برخی نهادها (به ویژه در مورد زندان و اماکن نظامی) که به وسیله مقامات اداری اخذ می‌گردد، نیز قابل اعمال است؟ در پاسخ باید میان اقدامات یادشده تفکیک قائل گردید. در دعوی Ouzturk علیه آلمان، دیوان تصریح می‌نماید که ویژگی عمومی یک قاعده حقوقی و وجود توأمان اهداف پیشگیرانه و بازدارنده یک مجازات برای اعمال ماده ۶ و تضمینات حوزه کیفری کافی است.^{۸۲} با این وجود لازم است تصریح گردد که در مورد برخی از مجازات‌های اداری که تحت عنوان اقدامات مربوط به حفظ نظم داخلی یا اقدامات پلیس برای حفظ نظم عمومی در جامعه ارزیابی می‌شود اصل برائت قابل اعمال نیست. شورای قانون اساسی تصریح نموده است، اصل برائت خارج از حوزه مجازات قابل استناد نیست. مثلاً استرداد کارت اقامت خارجیان با استناد به نظم عمومی، مجازات محسوب نگردیده بلکه یک اقدام پیش‌گیرانه برای حفظ نظم عمومی است.^{۸۳}

شورای دولتی نیز اصل برائت را مانع از اتخاذ اقداماتی در جهت حفظ نظم داخلی یک کلاس درس به شکل جمعی، ندانسته است. در تصمیم ۸ مارس ۲۰۰۶ در خصوص مجازات جمعی دانش آموزان یک کلاس (براساس بخشنامه داخلی وزیر آموزش) به وسیله یک معلم، شورای دولتی تصریح نموده است که دادن تکلیف اضافی به مجموعه یک کلاس نه بر خلاف اصل قانونی بودن و نه

82. CEDH 21 fév 1984, Öztürk c/ RFA A 73.

83. CC13 mars 2003, n° 2003-467 DC, § 84 et 85, AJDA, 2004, Jurisprudence, p. 260.

بر خلاف اصل تناسب میان مجازات و نه بر خلاف اصل برائت است. یعنی صرف جمعی بودن مجازات به معنی نقض اصل برائت نیست.^{۸۴}

می‌توان این پرسش را مطرح کرد که آیا رویه قضایی شورای دولتی به معنای پذیرش قابلیت اصل برائت در خصوص اقدامات مربوط به حفظ نظم داخلی نیست؟ در واقع آیا نمی‌توان گفت شورا اعمال اصل برائت در مورد اقدامات مربوط به حفظ تصمیم داخلی را پذیرفته، اما در پرونده مورد نظر قائل به عدم نقض این اصل بوده است؟ پاسخ منفی است؛ زیرا، عبارت بعدی استفاده شده در تصمیم شورای دولتی این استدلال را محل تردید قرارداده است. به نظر می‌رسد که شورا حتی قائل به قابلیت اعمال اصل برائت در این موارد نیست: «در هر حال شاکی نمی‌تواند به مخالفت مقررات بخشنامه فوق‌الذکر مخالف با مواد ۸ و ۹ اعلامیه ۱۷۸۹ مربوط به قانونی بودن تناسب جرم و مجازات، و همچنین اصل برائت استناد نماید: به عبارت دیگر اصل برائت در حوزه مورد بحث قابل اعمال نیست»^{۸۵}.

ب- رعایت اصل برائت در مرحله نظارت بر تصمیم کیفری یا شبه کیفری^{۸۶}

با توجه به اینکه تصمیمات اتخاذ شده در مرحله بدوی دارای اعتبار نسبی امر مختوم هستند، محکومیت شخص مورد تعقیب موجب تغییر مسؤولیت بار اثبات

84. CE 8 mars 2006, Fédération des conseils de parents d'élèves des écoles publiques, AJDA 2006, juris. p. 1107.

85. Ibidem.

۸۶. البته باید توجه داشت که در مورد مراجع اداری شبه قضایی، کنترل در ابتدا به وسیله مرجع تجدید نظر شبه قضایی انجام می‌گردد و پس از صدور حکم این مرجع است که تصمیم قابلیت اعتراض نزد مراجع قضایی (عمومی یا اداری) را پیدا می‌کند.

دلیل می‌گردد. در واقع در مرحله بدوی مجرمیت یا تقصیر شخص مزبور توسط یک مرجع قانونی به اثبات رسیده است و این شخص محکوم است که در صورت اعتراض باید بی گناهی خود را اثبات کند. به دیگر سخن، می‌توان گفت پس از مرحله صدور حکم محکومیت، تا هنگامی که احتمالاً شخص محکوم دلیلی برخلاف آن ارائه نماید، فرض گناه‌کاری جاری خواهد بود.

برخی از نویسندگان از این نظر که فرض بی گناهی باید تا مرحله صدور حکم قطعی ادامه یابد دفاع نموده اند^{۸۷}، و حتی برخی از آنان، آن را تا مرحله‌ای که منجر به صدور حکم نهایی و غیرقابل اعتراض^{۸۸} گردد، تسری داده‌اند^{۸۹}. در همین راستا شاید بتوان رویه قضایی دیوان عالی کشور و شورای دولتی را مؤید نظریه اخیر دانست^{۹۰}.

با این وجود به نظر می‌رسد که عبارات بند دو ماده ۶ کنوانسیون و همچنین ماده ۹ اعلامیه حقوق بشر و شهروندان ۱۷۸۹ و قانون ۱۵ ژوئن ۲۰۰۰ تنها ناظر به رعایت اصل برائت تا هنگام صدور رأی به وسیله مرجع قانونی بدوی باشند.

87. Guinchard et autres., op. cit., n°267-d, p. 463 ; Renoux Th. et deVilliers M., op. cit., p. 94.

۸۸ در یکی از تصمیمات ۲۳ مارس ۱۹۹۹ بخش کیفری دیوان عالی کشور تصریح نموده است که محکومیت قطعی عبارت است از تصمیمی که در مرحله تجدید نظر قطعیت یافته است و تصمیم غیرقابل اعتراض تصمیمی است که هیچ گونه اعتراضی نسبت به آن قابل پذیرش نیست (پس از رد اعتراض فرجامی یا تصمیم مرجع فرجامی و پایان مهلت تجدید نظر فرجامی).

89. Cornu G., vocabulaire juridique, PUF 2001, p. 460.

90. Cass. crim. 23 mars 1999, pourvoi n° 98-80399; CE (Ordonnance de référé) du 14 mars 2005, Gollinsiche, précité.

به سخن دیگر شخص مورد تعقیب پس از محکومیت خود در مرحله بدوی، نه در مرحله تجدید نظر و نه در مرحله فرجامی از الزامات برائت بهره‌مند نمی‌باشد. در تأیید این نظر، کمیسیون سابق اروپایی حقوق بشر تصریح نموده است که اصل برائت تنها بحث محکومیت متهم را مورد توجه قرار می‌دهد و نمی‌تواند در مرحله تجدید نظر در جایی که قاضی تجدید نظر به تشدید مجازات مبادرت نموده است مورد استناد قرار گیرد.^{۹۱} علاوه بر این، اصطلاح «در هر گونه محکومیت» در بند یک ماده ۹ قانون مدنی این امر را متبادر به ذهن می‌نماید که محکومانی که به حکم اعتراض نموده یا درخواست تجدید نظر ماهوی و شکلی می‌نمایند نمی‌توانند اصل برائت را مورد استناد قرار دهند.^{۹۲} از سوی دیگر می‌توان گفت رسیدگی علنی و اعلام عمومی محکومیت خود به خود به زایل گردیدن آثار اصل برائت پس از صدور چنین حکمی خواهد انجامید. با این وصف، در حوزه کیفری، محکومیت صادره به وسیله مرجع بدوی قبل از قطعیت امکان اجرا نداشته و حتی پس از قطعیت نیز، (در برخی موارد و در صورت امکان اعتراض فرجامی) چنانچه تصمیم مزبور مورد اعتراض محکوم علیه قرار گیرد، تا صدور رأی فرجامی در تأیید حکم مرجع تجدید نظر، امکان اجرا نخواهد داشت. به عنوان مثال بر اساس نظر دیوان عالی کشور، در حالی که مجرمیت شخص مورد تعقیب تنها در صورت تصمیم نسبت به اعتراض به اثبات می‌رسد، قاضی نمی‌تواند اجرای موقت یک مجازات کیفری را اعمال نماید.^{۹۳}

91. Comm. EDH 5 mars 1980, X. c/ Autriche, req. 8289/87, DR 18, p. 168.

92. Koerinig R. et Seuvic J-F., Droits fondamentaux et droit criminel, AJDA 1998, chron. p. 106, note n° 85.

93. Cass. crim. 23 mars 1999, pourvoi n° 98-80399.

در هر حال به نظر می‌رسد که تسری رعایت اصل برائت در نزد مراجع تجدید نظر نیز ترجیح بیشتری داشته باشد. زیرا، در مراجع تجدید نظر رسیدگی مجدد پرونده به طور کامل از حیث شکلی و ماهوی است. به عبارت دیگر رعایت این اصل می‌تواند تا زمان صدور حکم قطعی در مورد محکومیت شخص مورد تعقیب گسترش یابد. در واقع سخنان یا نوشته‌هایی که می‌توانند به عنوان پیش‌داوری مطرح گردند (منظور گفتار و نوشته‌هایی است که خارج از رأی مرجع بدوی است) ممکن است رسیدگی در مرجع تجدید نظر را تحت تأثیر قرار داده تا جایی که حتی منجر به عدم تأثیر عملی اعتراض و حکم تجدید نظر گردد. علاوه بر این بخش کیفری دیوان عالی کشور در تصمیم ۲۳ مارس ۱۹۹۹ تصریح نموده است که اجرای موقت تصمیم دادگاه تجدید نظر کیفری منجر به نقض بند دوم ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و ماده ۹ اعلامیه حقوق بشر و شهروندان ۱۷۸۹ می‌گردد.^{۹۴}

در حوزه مجازات‌های اداری، با عنایت به اینکه در مورد رسیدگی شبه قضایی نوعاً مراجع شبه قضایی ذی‌صلاح در دو مرحله بدوی و تجدید نظر مبادرت به اخذ تصمیم می‌نمایند، آیا رعایت اصل برائت تا هنگام صدور رأی مرجع قضایی قابل تسری است؟ کمیسیون سابق حقوق بشر اروپایی در تصمیم ۴ مه ۱۹۹۳ علیه فرانسه (در یک دعوای مالیاتی) تصریح نموده است که تا زمانی که یک دادگاه قانونی در مورد محکومیت متهم مبادرت به صدور حکم ننموده اصل برائت قابل اعمال است.^{۹۵} این نظر خود می‌تواند توجیهی بر ممنوعیت اعلام و انتشار یک مجازات اداری باشد. زیرا، هنوز مرجع قضایی (دادگاه در مفهوم

94. Ibidem.

95. § 86.

مضیق) اظهار نظر نکرده است و انتشار تصمیم مرجع شبه قضایی می‌تواند به عنوان نقض اصل برائت تلقی گردد، برخی از نویسندگان، با عنایت به آثار غیر قابل انکار آن بر وضعیت شخص مورد نظر (به ویژه در خصوص خدشه بر حیثیت و اعتبار حرفه‌ای)، اعلان و انتشار مجازات را نوعی مجازات اضافی (علاوه بر مجازات اصلی) تلقی نموده‌اند.^{۹۶}

به نظر می‌رسد که محاکم داخلی نیز این رویکرد را پذیرفته‌اند. در خصوص یک مجازات اداری صادر شده از سوی کمیسیون معاملات بورس (مرجع اداری شبه قضایی) دادگاه تجدید نظر پاریس در تصمیم ۱۶ سپتامبر ۱۹۹۹ مبادرت به تعلیق دستور کمیسیون فوق‌الذکر در چاپ مجازات در روزنامه رسمی و نشریه کمیسیون نمود.^{۹۷} در یک تصمیم جدیدتر (۲۲ سپتامبر ۲۰۰۴) دادگاه تجدید نظر پاریس در خصوص یکی از تصمیمات شورای رقابت (یک مرجع شبه قضایی) تصریح نموده است که چاپ یکی از پارگراف‌های تصمیم شورای رقابت که به صورت کاملاً مشروح اتهامات علیه اشخاصی که در سازماندهی اعمال مغایر با اصول رقابت شرکت داشته‌اند را مورد اشاره قرار داده (قبل از صدور حکم مرجع قضایی) مخالف اصل برائت است.^{۹۸}

با توجه به آنکه اعلام و اعلان مجازاتی که هنوز قطعی نشده است می‌تواند به منزله نقض اصل برائت تلقی گردد، کمیسیون مالی مجلس سنا پیشنهاد داده است

96. Thomasset-Pierre S., Création de l'Autorité des marchés financiers: Commentaire de la loi du 1er août 2003 et du décret du 21 novembre 2003, D. 2003, chron. p. 2951.

97. CA Paris, 16 sept. 1999, D. affaire, AJ, p. 48, obs. V. A-R.

98. CA Paris 22 sept. 2004, D. 2004, AJ, p. 2788.

که انتشار و اعلان عمومی مجازات‌هایی که در خصوص آن‌ها یک اعتراض قضایی در جریان است با حذف نام محکومین صورت پذیرد.^{۹۹} در خصوص رژیم حقوقی فعلی حاکم^{۱۰۰} بر اعلام و انتشار محکومیت‌های صادره به وسیله مراجع شبه قضایی، ماده ۱۵-۶۲۱ قانون بازارهای مالی مقرر نموده است که مرجع بازارهای مالی می‌تواند مبادرت به اعلام عمومی تصمیمات خود به وسیله چاپ آن در مجلات نشریات و هرگونه رسانه دیگری نماید. برخی حقوق‌دانان معتقدند، باید امیدوار بود که پیشنهاد کمیسیون مالی سنا در آیین‌نامه داخلی مرجع بازارهای مالی^{۱۰۱} اعمال گردد. زیرا، در خصوص حذف یا عدم حذف نام محکوم قانون فوق‌الذکر ساکت است.^{۱۰۲}

در این راستا، شورای دولتی در یکی از تصمیمات خود در تاریخ ۱۴ آوریل ۲۰۰۵ تصریح نموده است که رعایت اصل برائت باید با رعایت ضرورت آگاهی عمومی از روند رسیدگی در مراجع کیفری و شبه کیفری با توجه به قوانین و مقررات مربوطه سازگار باشد.^{۱۰۳} در واقع از نظر شورای دولتی، این امر با حذف نام محکومین در تصمیمات میسر می‌گردد. در این رأی، شورا نتیجه گرفته است که در خصوص تشریفات و روش اعلام عمومی آراء شورای عالی قضایی (در

99. Sénat, Rapport n° 206 de P. Marini (au nom de la commission des finances), déposé le 12 mars 2003.

۱۰۰. در وضعیت سابق، به عنوان مثال، کمیسیون معاملات بورس (اگر چه در چاپ تصمیمات خود اشاره به وجود یک اعتراض قضایی نسبت به تصمیم شبه قضایی نموده) اما مبادرت به حذف نام محکوم ننموده است.

101. Autorité des marchés financiers.

102. Thomasset-Pierre S., op. cit. p. 2951.

103. CE 14 avr. 2005, req. 279473.

جایگاه مرجع انضباطی قضات) با توجه به حذف نام محکوم و درج موضوع امکان اعتراض به تصمیم مرجع انضباط در شورای دولتی، چاپ محکومیت مزبور در گزارش پیوست‌های سالیانه شورای عالی قضایی در خصوص قضات نشسته و قضات دادسرا به منزله نقض اصل برائت تلقی نمی‌گردد.

در خصوص تسری رعایت اصل برائت به مرحله کنترل قضایی تصمیمات مراجع اداری شبه قضایی اگر چه چنین رویکردی می‌تواند به حمایت بیشتر از شخص مورد مجازات منجر گردد این دیدگاه مطابق با رویکرد قضایی کردن آیین رسیدگی به مجازات‌های اداری و به ویژه مجازات‌های اداری صادره از مراجع شبه قضایی که دارای ساختار مشابهی با دادگاه به معنای خاص هستند (همچنین با رویکرد دادگاه اروپایی حقوق بشر در تلقی مراجع شبه قضایی به عنوان دادگاه براساس معیارهای ماده ۶ کنوانسیون) نمی‌باشد. به عبارت دیگر، هنگامی که اصل برائت در این مراجع در مراحل بدوی و تجدید نظر مورد رعایت قرار گرفته است و رسیدگی در مراجع شبه قضایی به اعلام قطعی محکومیت منتهی گردیده است؛ از این پس، این محکوم علیه است که باید عدم مجرمیت خود را به اثبات برساند و دیگر بهره‌مندی از اصل برائت برای محکوم علیه توجیهی نخواهد داشت. در هر حال به نظر می‌رسد که ترجیح با آن باشد که اصل برائت در کلیه مراحل قضایی کنترل مجازات‌های اداری نیز مورد رعایت قرار گیرد. از سوی دیگر، این امر با نظری که مبتنی بر آن، اصل برائت باید تا قطعی و حتی نهایی شدن یک تصمیم (شبه کیفری و کیفری) رعایت گردد، سازگارتر خواهد بود.

در مورد اعمال اصل برائت در مجموع مراحل دادرسی، به رغم آنکه براساس رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر کشورها مجاز به در نظر گرفتن برخی استثنائات در رعایت برخی تضمینات دادرسی در مراحل ابتدایی رسیدگی (مرحله اداری صدور مجازات) هستند، برخی از تضمینات دادرسی (مانند حق

دفاع و رعایت بی طرفی) باید از ابتدای رسیدگی اداری نیز مورد رعایت قرار گیرند.^{۱۰۴} به عنوان مثال دیوان اروپایی حقوق بشر در پرونده‌های *Allenet de Ribemont* مورخه ۱۰ فوریه ۱۹۹۵ و *Bernard* مورخه ۲۳ آوریل ۱۹۹۸ تصریح نموده است که اصل بی گناهی باید از شروع تحقیقات کیفری رعایت گردیده و ارزیابی رعایت و عدم رعایت آن براساس کل مراحل صورت می‌گیرد. با توجه به ماهیت کیفری رسیدگی اداری در مورد اعمال مجازات‌ها، رعایت اصل برائت از ابتدای رسیدگی در این مراجع ضروری به نظر می‌رسد.

براین اساس، اصل برائت باید از ابتدای رسیدگی (شروع رسیدگی) تا صدور حکم مجازات اداری و همچنین تا پایان مراحل رسیدگی قضایی شورا مورد توجه قرار گیرد. در یکی از تصمیمات خود، شورای دولتی (۲ ژوئیه ۲۰۰۱) درخصوص رأی فدراسیون فوتبال اعلام نموده است که اگر چه ماده ۶ کنوانسیون در مورد تصمیمات این مرجع قابل اعمال نیست (به دلیل عدم تلقی این نهاد انضباطی به عنوان دادگاه مطابق با معیارهای سازمانی) اما تصمیمات کمیسیون تجدید نظر فوتبال تحت کنترل کامل قاضی اداری و با رعایت تضمینات دادرسی در ماده ۶ قرار می‌گیرد.^{۱۰۵} همچنین، شورای دولتی تصریح نموده است که مقالات منتشر شده در نشریات پیش از تشکیل جلسه نهاد انضباطی فدراسیون و صدور رأی، و اعلام اتهام اشخاص مورد تعقیب به خودی خود نمی‌تواند به منزله نقض اصل برائت و حقوق دفاعی تلقی گردد.^{۱۰۶}

104. CEDH 24 nov. 1993 *Imbrioscia c/ Suisse*, A 275, § 36; CEDH 8 fév. 1996 *Murray c/ Royaume-Uni*, Rec. 1996 I; CEDH 17 déc. 1996, *Saunders c/ Royaume-Uni*, Rec. 1996 VI. Sur l'ensemble de la question v. *Sudre F. et Picheral C.*, op. cit., pp. 63-66.

105. CE 2 juill. 2001, *Fédération française de football*, req. 221481.

106. *Ibidem*.

مبحث چهارم: توسعه لزوم رعایت اصل برائت بر مقامات عمومی خارج از جریان رسیدگی

الف- رعایت اصل برائت به وسیله کلیه مقامات عمومی

علاوه بر مقامات و مراجعی که مستقیماً در جریان رسیدگی دخالت دارند، کلیه مقامات عمومی دیگر نیز باید اصل برائت را مراعات کنند به عبارت دیگر اگرچه اصولاً رعایت آن ناظر به مقامات و مراجع داخل در جریان رسیدگی است و بیشتر اظهارات و رفتارهای چنین افرادی مورد نظر است، اما سایر مقامات عمومی و به ویژه مقاماتی که در ارتباط تنگاتنگ با جریان رسیدگی قرار دارند (به عنوان مثال وزرای دادگستری و کشور در دادرسی‌های کیفری) نیز مکلف به رعایت این اصل می‌باشند. حتی ممکن است در مواردی اشخاص عمومی خارج از جریان رسیدگی قبل از جریان رسیدگی و یا در مراحل ابتدایی رسیدگی به نحوی در پرونده اظهار نظر نموده باشند.^{۱۰۷}

از نظر کمیسیون سابق اروپایی حقوق بشر، اصل بی گناهی قبل از هر چیز تضمینی مربوط به آیین دادرسی کیفری است؛ اما قلمرو آن فراتر از جریان رسیدگی‌های کیفری است. بنابراین رعایت این اصل تنها مربوط به قاضی کیفری و مسؤول صدور حکم نبوده و شامل کلیه مقامات عمومی دیگر نیز می‌گردد. این

۱۰۷. این امر بیشتر در مورد رعایت اصل بی طرفی مصداق دارد. به عنوان مثال، شورای دولتی در تصمیم ۴ ژوئیه ۲۰۰۳ در خصوص یکی از گزارشات سالیانه دیوان محاسبات همین نظر را تأیید نموده است. شورا با استناد به اصل بی طرفی، اعلام نموده است که تقبیح اعمال مدیریت یک سازمان دولتی، که مورد تعقیب انضباطی نزد دیوان انضباطی بودجه ای قرار گرفته است، در گزارش سالانه دیوان محاسبات مغایر با اصل بی طرفی بوده است. زیرا، دو نفر از اعضای مرجع انضباطی فوق‌الذکر قبلاً در شورایی که گزارش سالانه را مورد تأیید قرار می‌دهد عضویت داشته‌اند.

تصمیم کمیسیون، سپس مورد تأیید دیوان قرار گرفت^{۱۰۸}. از نظر دیوان، اظهار نظر وزیر کشور در یک مصاحبه تلویزیونی (با مضمون تلقی وی از مجرمیت شخص مورد تعقیب) ناقض اصل برائت است^{۱۰۹}.

همین‌طور، براساس دستور موقت ۱۴ مارس ۲۰۰۵، رعایت اصل برائت نه تنها تکلیف مراجع مداخله‌کننده در جریان رسیدگی از تعقیب تا صدور حکم است؛ بلکه این وظیفه شامل کلیه مقامات عمومی می‌گردد^{۱۱۰}. در جریان این پرونده، یکی از مسئولین دانشگاه، استادی را که هدف تعقیب انضباطی و کیفری قرار گرفته بود مورد حملات خود قرار داده و اعمال وی را ناقض اخلاق حرفه‌ای و تعهدات ناشی از حرفه آموزشی تلقی نموده، و نهایتاً نتیجه گرفته بود که محکومیت وی ضروری و قطعی است. به علاوه در سخنرانی‌های متعدد عمومی خود، تقاضای بالاترین مجازات انضباطی ممکن را برای این شخص مزبور (اخراج از دانشگاه) نموده بود. از نظر شورای دولتی اتخاذ مواضع خاص مسئولین دانشگاه، به ویژه با محور لزوم محکومیت شخص مورد تعقیب و اعمال شدیدترین مجازات‌ها خود به منزله نقض شدید و آشکار اصل برائت است. به دیگر سخن، اظهارات مقامات یادشده به منزله فرض گناه‌کاری استاد مورد تعقیب بوده، در حالی که هنوز نه از سوی مراجع انضباطی و نه مراجع کیفری حکمی در این خصوص صادر نشده بود.

108. CEDH 10 fév. 1995, *Allenet de Ribemont c/ France*, A 308, §§ 36-41.

109. *Ibidem*.

110. CE 14 mars 2005 (ordonnance de référé), Bruno Gollnisch, AJDA 2005, Jurisprudence, p. 1633. Dans ce sens v., également CE 25 oct. 2006, Michel A, req. 286360 (concernant une sanction disciplinaire contre un fonctionnaire).

رویه قضایی محاکم عمومی در رسیدگی به تصمیمات مراجع شبه قضایی دارای صلاحیت‌های شبه کیفری، نیز حاکی از چنین رویکردی است. در یکی از تصمیمات دادگاه تجدید نظر پاریس در ۱۵ ژانویه ۱۹۹۳^{۱۱۱} و همین طور تصمیمات متعدد دیوان عالی کشور^{۱۱۲} در خصوص آراء مراجع شبه قضایی در حوزه امور مالی و اقتصادی، به لزوم رعایت اصل برائت به وسیله کلیه مقامات و مراجع عمومی اعم از مقامات دخیل در جریان رسیدگی و یا سایر مراجع عمومی، تصریح شده است^{۱۱۳}.

ب- رعایت اصل برائت در رسانه‌ها

علاوه بر مقامات عمومی، رسانه‌های دیداری، شنیداری و مطبوعات نیز ملزم به رعایت اصل برائت هستند. با پذیرش این ضرورت، پرسش این است که چگونه می‌توان میان اصل آزادی بیان و رعایت اصل برائت در رسانه‌ها سازگاری ایجاد کرد؟

اگر چه دیوان اروپایی حقوق بشر تأکید بسیار بر آزادی مطبوعات و رعایت آن داشته است، با این وجود در رویه قضایی دیوان می‌توان گرایشی را مبتنی بر

111. CA Paris 15 jan. 1993, Derveloy, D. 1993, p. 273, note, C. Ducouloux-Favard.

112. Cass. com. 9 avr. et 18 juin 1996, Justice 1997, p. 256, obs. L. Idot ; Cass. com. 1er déc. 1998, JCP 1999, II, 10057, note, E Garaud ; LPA 15 jan. 1999, note, C. Ducouloux.-Favard.

۱۱۳. حتی در مورد انتشار جریان پرونده در گزارش سالانه این نهاد یا هر مرجع قضایی دیگر، دادگاه تجدید نظر پاریس تصریح نموده است چنانچه گزارش حکایت از محکومیتی که هنوز مورد صدور رای واقع نشده داشته باشد این امر مغایر با اصل برائت است. CA Paris 2 juill. 1999, LPA 1999, 15 oct. 1999, p. 5, note C. Ducouloux.-Favard

رد « دادرسی رسانه‌ای »^{۱۱۴} مشاهده کرد^{۱۱۵}. از نظر دیوان، رسانه‌ای و نمایشی کردن جریان رسیدگی می‌تواند نتایج زیانباری در دیدگاه عمومی نسبت به قاضی و دادگاه، و به طور کلی نسبت به دادگستری و دادرسی داشته باشند: در تصمیم worm علیه اتریش در ۲۹ اوت ۱۹۹۷ دیوان درخواست روزنامه نگاری را که در کشور خود به جهت درج یک مقاله تأثیرگذار در جریان رسیدگی کیفری علیه یک شهروند دیگر محکوم گردیده بود، رد نمود^{۱۱۶}. اگر چه روزنامه‌نگار مورد نظر در دفاع از چاپ این مقاله به آزادی بیان استناد نموده بود، اما در رد چنین ادعایی، دیوان به بند ۲ ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر استناد نموده است. براساس این ماده اعمال آزادی‌ها دربردارنده وظایف و مسئولیت‌هایی نیز بوده، و آزادی‌های یادشده می‌تواند تحت برخی تشریفات و شرایط مورد محدودیت‌های قانونی قرار گیرد. در این پرونده دیوان ضمن اشاره به خطر دادرسی رسانه‌ای تصریح نموده است که محکومیت روزنامه‌نگار مورد نظر به عنوان ضرورتی در یک جامعه دموکراتیک و همچنین تضمین اقتدار و بی طرفی قوه قضائیه براساس ماده ۲-۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است^{۱۱۷}.

در مقابل، براساس یکی از تصمیمات دادگاه تجدید نظر پاریس در ۷ اکتبر ۲۰۰۳، دادگاه در مورد چاپ یک کتاب و با استناد به لزوم رعایت آزادی بیان،

114. Justice médiatique.

۱۱۵. این اصطلاح کنایه از تکیه زدن رسانه‌ها بر کرسی قضاوت و رسیدگی به اتهام متهمین است

116. CEDH 29 août 1997 Worm c/ Autriche, Rec. 1997 V.

۱۱۷. در واقع، مطابق بند ۲ ماده ۱۰ اعمال محدودیت‌های مزبور بر آزادی‌ها اقداماتی ضروری هستند که در یک جامعه دموکراتیک برای امنیت ملی - تمامیت ارضی و امنیت عمومی و همچنین، حفظ نظم، پیشگیری از وقوع جرم، حمایت از بهداشت و اخلاق، حمایت از شهرت یا حقوق افراد دیگر، به منظور جلوگیری از افشا نمودن اطلاعات محرمانه، یا برای تضمین اقتدار و بی طرفی قوه قضائیه پیش‌بینی شده‌اند.

نقض اصل برائت را نپذیرفته بود. اما تصریح نموده بود که این به عهده ناشر است که به خوانندگان خود اصل برائت را یادآوری نماید^{۱۱۸}.

شایان ذکر است، به منظور جلوگیری از بزرگ نمایی و ارائه ناصحیح اطلاعات و (اطلاعات جزئی و یا غیر دقیق) همچنین به منظور پایان دادن به نگرانی احتمالی عموم در برخی دعاوی، براساس ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری، دادستان می‌تواند رأساً یا به تقاضای طرفین دعوا و یا قاضی تحقیق، اطلاعات مشخص عینی که به هیچ عنوان ارزیابی و پیش‌داوری در ماهیت دعوا محسوب نمی‌شود، را اعلام عمومی نماید.

مبحث پنجم: آثار نقض اصل برائت

در آنچه که مربوط به آثار حقوقی نقض اصل برائت می‌شود، لازم است میان آثار مربوط به اعتبار تصمیم مرجع قضایی و یا شبه قضایی و آثار چنین نقضی در شرایط و وضعیت متهم تفکیک قائل شد.

درتصمیم ۷ دسامبر ۱۹۹۹، دادگاه تجدید نظر نانت در خصوص مجازات‌های اعلام شده به وسیله دیوان محاسبات تصریح نموده است که نقض اصل برائت هیچ تأثیری به روی قانونی بودن تصمیم نخواهد داشت^{۱۱۹}. در مقابل، بر اساس بند ۱ ماده ۹ قانون مدنی^{۱۲۰} و مقررات مربوط به مطبوعات، علاوه بر امکان اقامه

118. CA Paris 7 oct. 2003, D. 2003, IR p. 2732.

119. CAA Nantes 7 déc. 1999, Rieul, req. 93N00813 .

۱۲۰. براساس بند یک ماده ۹ قانون مدنی، هنگامی که شخص قبل از هرگونه محکومیتی علناً به عنوان محکوم در یک پرونده کیفری تلقی می‌گردد قاضی می‌تواند با دستور خود و با رعایت مقررات دیگر حق درخواست جبران خسارت از سوی قربانی هر اقدامی را که لازم بداند از قبیل درج یک اصلاحیه در رسانه‌ها یا توضیح خود با انتشار یک خبر یا مصاحبه به منظور پایان دادن به نقض اصل برائت و با هزینه اشخاص مسئول نقض این اصل اقدام نماید.

دعوی علیه شخص ناقض اصل برائت و تقاضای جبران خسارت، قربانی نقض اصل برائت حق پاسخ به سخنان (یا نوشته‌های) ناقض اصل مزبور را خواهد داشت. همچنین، هنگامی که شخص ناقض اصل برائت یک مقام عمومی است می‌توان علیه وی و تحت عنوان مسئولیت دولت اقامه دعوی کرد. در همین جهت، مطابق تصمیم مورخه ۸ ژوئیه ۲۰۰۴ دیوان عالی کشور، چنانچه سوء استفاده از آزادی بیان بر اساس قانون ۱۹۸۱ منجر به نقض اصل برائت گردد با این امر تنها بر مبنای بند یک ماده ۹ قانون مدنی قابل جبران است.

اما، چنانچه مرجع رسیدگی تصمیم خود را فقط بر اساس سخنان یا نوشته‌های ناقض اصل برائت صادر کرده باشد، منطقاً، تصمیم فوق‌الذکر نیز غیر قانونی خواهد بود. دیوان عالی کشور فرانسه در خصوص کیفرخواستی که تنها با استناد به اعمال اشاره شده در یک گزارش کمیسیون معاملات بورس به دادسرا صادر شده بود، تصریح نموده است: تصمیم دادگاه تجدید نظر پاریس در رد تقاضای ابطال کیفرخواستی که بر اساس گزارش یادشده صادر شده است، مغایر با اصل برائت است.^{۱۲۱}

مبحث ششم: رعایت اصل برائت و استقلال رسیدگی اداری از رسیدگی کیفری

با عنایت به موضوع اعتبار امر مختوم، اصولاً یک جرم (جز در موارد استثنایی و از طرق فوق‌العاده) قابل رسیدگی مجدد در مراجع دیگر نبوده و آثار این حکم اصولاً برای سایر مراجع قضایی و ادارات و مراجع شبه قضایی لازم‌الرعايه است. به عنوان مثال، در پرونده Sekanina علیه اتریش، که دادگاه‌های حقوقی داخلی دعوای جبران خسارت فردی را بر اساس عناصر پرونده قضایی

121. Cass. crim. 1er mars. 2000, Bull. 2000, n° 98 p. 290.

در دادگاه جنایی و با فرض محکومیت خواهان در پرونده کیفری، رد نموده بودند، از نظردیوان اروپایی، با توجه به اینکه در پرونده جنایی دادگاه کیفری به طور قطعی خواهان را تبرئه نموده است، فرض مجرمیت یادشده به وسیله دادگاه حقوقی براساس مدارک و مستندات موجود در پرونده کیفری وی، نقض اصل برائت است.^{۱۲۲}

به رغم این امر، بر مبنای استقلال نسبی دادرسی اداری و قضایی، رسیدگی توأمان و یا همزمان مراجع کیفری و اداری نسبت به فعل یا ترک فعل واحد و صدور حکم مجازات مستقل از یکدیگر، مورد پذیرش اکثریت قریب به اتفاق نظام‌های حقوقی مختلف قرار گرفته است. اگرچه شورای دولتی در تصمیمات متعدد خود به اعتبار امر مختوم کیفری تصریح نموده است^{۱۲۳}؛ این امر را مانع از رسیدگی همزمان و مستقل اداری از دادرسی کیفری ندانسته است^{۱۲۴}؛ و بر همین اساس، رسیدگی شبه کیفری و صدور مجازات اداری و انضباطی را نقض اصل برائت در رسیدگی کیفری ارزیابی محسوب نمی‌کند. در هر حال، چنانچه اعمال مجازات اداری به تبع مجازات اداری، و به عنوان تکمیل و یا متمم کیفر باشد، اصولاً اعمال مجازات اداری تابعی است از تصمیم مرجع کیفری.

الف- رسیدگی همزمان دادرسی اداری انضباطی و کیفری

هنگامی که به طور همزمان یک دادرسی اداری و یک دعوای کیفری به منظور مجازات فعل واحد در جریان است، صدور حکم انضباطی قبل از

122. CEDH 25 août 1993, Sekanina c/ Autriche, A 266-A, § 30.

123. CE 12 juin 1929 Vésin, Rec. P. 470, concl. Latournerie, D. 1930, III.2, note, M. Waline ; CE 13 oct. 1954 Letourneur, JCP, 1955. II.8890, note, P. Durand.

124. V., par exemple, CE 14 nov. 1965, req. 65341.

تصمیم‌گیری قاضی کیفری نمی‌تواند به منزله نقض اصل برائت در رسیدگی کیفری تلقی گردد. شورای دولتی در یکی از تصمیمات مورخه ۳۰ ژانویه ۱۹۸۱ به این امر تصریح نموده است.^{۱۲۵} این رویه، بارها مورد تأیید و تأکید مجدد شورا قرار گرفته است. به عنوان مثال، در ۲۶ مه ۱۹۹۵ شورای دولتی تصریح می‌نماید: اصل برائت در ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و نه هیچ مقرره قانونی و آیین‌نامه‌ای دیگر و نه هیچ اصل حقوقی دیگری مانع از صدور مجازات انضباطی قبل از رسیدگی کیفری نخواهد بود.^{۱۲۶} این رویه در تصمیمات اخیر شورا نیز مجدداً مورد تأکید قرار گرفته است.^{۱۲۷} اگر چه تصمیم قاضی کیفری باید به وسیله مقام اداری مورد توجه قرار گیرد اما این به منزله ممنوع بودن مرجع انضباطی (اداری) از صدور رأی قبل از قاضی کیفری نیست.

از نظر شورای دولتی، در پرونده‌های انضباطی به محض اینکه انجام فعل قابل سرزنش به اثبات رسیده باشد، مرجع انضباطی می‌تواند مستقل از رسیدگی کیفری اقدام به صدور حکم انضباطی نماید.^{۱۲۸} بنابراین، نه تنها مرجع انضباطی تکلیفی در انتظار خاتمه رسیدگی کیفری و صدور حکم از سوی مرجع کیفری نداشته، بلکه قانوناً نمی‌تواند شروع به رسیدگی انضباطی را منوط به رسیدگی کیفری و ختم آن نماید.^{۱۲۹} در همین راستا، شورای دولتی استناد به نقض اصل

125. CE 30 jan. 1981, Jacquesson, Rec. p. 39.

126. CE 26 mai 1995, Mme Girardet, req. 140.986.

127. CE 14 oct. 2005, Hôpital de l'Isle-Sur-Sorgue, req. 257474. .

128. CE du 4 oct. 1989, Mlle Leberche, Rec. 451 ; CE 21 juill. 1995, Capel, req. 151765.

129. CE 28 jan. 1994, L'Hermite, Rec. 44 ; AJDA 1994, p. 352 ; CE 28 déc. 2001, M. V., AJDA 2002, juris. p. 359.

برائت را برای دستور مراجع اداری ذیصلاح در استرداد یک مجرم در حالی که هنوز تعقیب کیفری علیه وی منتهی به صدور حکم نگردیده، رد نموده است.^{۱۳۰} به علاوه، شورا تصریح نموده است که تصمیم یک مرجع اداری در اخذ یک اقدام تأمینی در جهت حفظ نظم عمومی، مستقل از رسیدگی کیفری بوده و به منزله نقض اصل برائت تلقی نمی‌گردد.^{۱۳۱}

به طریق اولی هنگامی که شخص مورد نظر در دادگاه کیفری بدوی محکوم گردیده است، تقاضای تجدید نظر در مرجع کیفری مانع از صدور حکم مرجع انضباطی نبوده، و حکم اخیر به منزله نقض اصل برائت در رسیدگی کیفری نخواهد بود. در پرونده‌ای که تقاضای یکی از متقاضیان اخذ تابعیت به استناد پرونده کیفری در جریان، از سوی مقامات اداری ذیصلاح رد شده بود، تصمیم مرجع اداری مورد اعتراض شخص مزبور (در محاکم اداری) قرار گرفته بود. شخص مزبور در اعتراض به تصمیم اداری یادشده استدلال نموده بود که رأی مرجع کیفری هنوز قطعی نشده بوده، و وی در مراجع کیفری بالاتر درخواست تجدید نظر نموده است. شورای دولتی تصریح نموده است تقاضای تجدید نظر شخص مورد نظر در مرجع قضایی کیفری تأثیری در ابطال تصمیم مقام اداری در رد درخواست تابعیت ندارد.^{۱۳۲}

130. CE 14 déc. 2001, M. Richard Blech, req. 231106.

131. CE 29 mai 2002, Préfet de La Haute-Garonne, req. 211079 (concernant un refus de la délivrance de titre séjour); CE 14 mai 2003, Fédération départementale des chasseurs de la Gironde, req. 237998 (concernant la suspension provisoire de la chasse à titre d'une mesure conservatoire).

132. CE 14 mars 2001, M. Kechrid, req. 202870 ; CE 2 juin 2003, Patrick X, req. 251704.

با این وجود، به نظر می‌رسد که چنانچه مقام اداری رد تقاضا را صرفاً مبتنی بر نظر قاضی کیفری در مرحله بدوی قرار داده باشد و در مرحله تجدید نظر کیفری عدم وقوع فعل مورد سرزنش اثبات گردد، مقام اداری موظف به اصلاح تصمیم خود باشد. به طریق اولی هنگامی که قاضی کیفری بدوی هنوز در خصوص اثبات یا عدم اثبات وقوع فعل مورد نظر و یا مجرمیت یا عدم مجرمیت شخص مورد تعقیب اظهار نظر نکرده است، چنانچه تصمیم اداره فقط مبتنی بر وجود تعقیب کیفری صادر شده باشد، این امر محل انتقاد به نظر می‌رسد. در هر حال، شورای دولتی تصریح نموده است که در موردی که دادگاه کیفری هنوز در خصوص مجرمیت شخص مورد تعقیب اظهار نظر ننموده، رد درخواست تابعیت از سوی دولت به منزله نقض اصل برائت نیست. اگر چه اعطاء یا عدم اعطاء تابعیت یکی از امور حاکمیتی متعلق به دولت بوده و صلاحیت دولت در اعطاء یا عدم اعطاء تابعیت یک صلاحیت تخییری بوده، اما همان‌گونه که گفته شد چنانچه تصمیم اعلام شده در رد تقاضای اخذ تابعیت به صرف وجود تعقیب قضایی صورت پذیرفته باشد چنین رویکردی انتقادآمیز خواهد بود.

در جریان پرونده فوق‌الذکر مقام اداری صالح تصمیم خود را مبتنی بر مواد ۲۱ تا ۲۲ قانون مدنی و همچنین محکومیت‌های پیش‌بینی شده در مواد ۲۱ و ۲۷ همین قانون (مواردی که موجبات رد تقاضا را به دنبال دارد) قرار داده بود. با توجه به آنکه در موارد مورد اشاره به محکومیت کیفری اشاره شده است. بنابراین منطقی آن است که مقام اداری در انتظار صدور حکم مرجع کیفری بماند و اعلام تصمیم به رد تقاضای تابعیت قبل از محکومیت ناقض مقررات پیش‌بینی شده در موارد یاد شده است. البته باید انتظار داشت، حداقل در صورت صدور تصمیم اداری بر رد تقاضای تابعیت و تبرئه مؤخر شخص متقاضی در مرجع کیفری به استناد عدم وقوع فعل مورد سرزنش، مقام اداری در تصمیم خود تجدید نظر نماید. در هر حال، با توجه به تخییری بودن این صلاحیت، مقام اداری می‌تواند

تصمیم رد تقاضا را مبتنی بر دلایل دیگری مستقل از صدور حکم به محکومیت کیفری مستند نماید.

اگر استقلال رسیدگی‌های انضباطی یا اداری نسبت به دادرسی کیفری مبنای عدم نقض اصل برائت در دادرسی کیفری است؛ پرسشی که مطرح می‌گردد عبارت است از اینکه، در مواردی که یک مجازات اداری یا انضباطی از نظر دیوان اروپایی حقوق بشر و ماده ۶ کنوانسیون در قلمرو دعاوی حوزه کیفری قرار می‌گیرد، آیا رعایت این اصل در رسیدگی‌های شبه کیفری به طور مستقل از رسیدگی کیفری محل توجه است؟

باید موضوع را تحت دو فرض بررسی کرد. در خصوص جریان رسیدگی‌های شبه کیفری، مقام یا نهاد اداری مجازات‌کننده مکلف به رعایت اصل برائت در جریان رسیدگی، خواهد بود. اما در مورد رعایت اصل برائت در دادرسی کیفری، وسیله مراجع اداری و شبه قضایی در شروع به رسیدگی و جریان رسیدگی اداری و انضباطی، همان‌گونه که گفته شد رسیدگی و صدور حکم نیز مستقل بوده و مرجع اداری می‌تواند نسبت به صدور حکم قبل از قاضی کیفری مبادرت نماید. اما با توجه به آنکه هر دو رسیدگی اداری و کیفری مشمول مصادیق حوزه کیفری (براساس رویه قضایی دیوان اروپایی) است، و به رغم پذیرش امکان صدور و جمع مجازات‌های مالی اداری با مجازات‌های مالی کیفری^{۱۳۳}، به نظر ضروری است به اصل شخصی نمودن و تناسب میان جرم و مجازات توجه گردد^{۱۳۴}؛ و در جهت این، مناسب است مرجع اداری در انتظار صدور حکم کیفری، رسیدگی را متوقف نماید.

133. CE 14 nov. 1965, req. 65341.

۱۳۴. براساس تصمیم شورای قانون اساسی، در خصوص مجازات‌های اداری و مالی و نقدی مجازات‌های اخیر قابل ادغام با مجازات‌های کیفری نیستند.

ب- مجازات‌های اداری تکمیلی نسبت به مجازات‌های کیفری

در برخی موارد مجازات‌های اداری نوعاً تحت عنوان مجازات تکمیلی پس از صدور حکم قاضی کیفری توسط مقام اداری اعمال می‌گردد. در چنین شرایطی صدور حکم مجازات تکمیلی و تتمیمی یاد شده از سوی مقام اداری تنها پس از صدور محکومیت توسط مرجع کیفری میسر است. بر همین اساس دیوان عالی کشور در رأی Saint Denis de la Réunion تصمیم دادگاه تجدید نظر را با استناد به اینکه اعمال مجازات‌های اداری مورد نظر تا قبل از صدور حکم از سوی مرجع قضایی مخالف با اصل برائت است، را رد نموده است. به علاوه از نظر دیوان عالی کشور، دادگاه تجدید نظر مزبور نمی‌توانسته است به مقرراتی که مخالف اصل برائت است، استناد نماید.^{۱۳۵} در مقابل از نظر دیوان عالی کشور اجرای موقت مجازات‌های تکمیلی (تعلیق یا ابطال گواهینامه رانندگی) پس از صدور حکم محکومیت در مرجع کیفری با اصل برائت ناسازگار نیست.^{۱۳۶}

CC 23 juill. 1996, déc.96-378 DC (sur la loi de réglementation des télécommunications), considérant 15.

135. Cass. crim. 21 octobre 2003, pourvoi n° 02-85836.

136. Cass. crim. 23 mars. 1999, pourvoi n° 98-80399.

نتیجه‌گیری

با عنایت به نحوه کارکرد نظام و تشکیلات اداری، نظم اداری سلسله‌مراتبی، ضرورت‌های عملی و فنی، ماهیت رسیدگی در مجازات‌های اداری و انضباطی و همچنین توأم بودن مراحل سه گانه دادرسی کیفری (تعقیب - تحقیق - صدور حکم) در جریان رسیدگی اداری، اعمال اصل برائت را دشوار می‌سازد. همچنین، با عنایت به تنوع ساختارها و تشکیلات اداری در حوزه‌های مختلف، که حسب مورد به ساختار «دادگاه» دور یا نزدیک هستند، نمی‌توان رژیم حقوقی واحدی را در خصوص اعمال تضمینات قضایی و کیفری (تحت عنوان اصول دادرسی منصفانه) و به تبع آن اصل برائت در کلیه حوزه‌ها، مورد شناسایی و تجویز قرار داد. به علاوه، صرف نظر از قابلیت یا عدم قابلیت اعمال اصل برائت در رسیدگی‌های اداری شبه کیفری، نباید در مورد آثار مثبت اصل برائت، و اعمال مؤثر آن در جریان رسیدگی، حتی در دادرسی‌های کیفری، بیش از حد خوش‌بین بود.^{۱۳۷}

باید اعتراف کرد که رعایت فرض بی‌گناهی تنها یک تصور و، در واقع، یک روند تکنیکی^{۱۳۸} انتزاعی در دادرسی است، نه یک رفتار طبیعی^{۱۳۹}. به عبارت دیگر، برای بی‌طرف بودن و برای بی‌گناه فرض نمودن شخص مورد تعقیب، اشخاص اعم از مقامات عمومی داخل در جریان رسیدگی و یا مقامات عمومی

137. Favoreu L. et Philip L., Les grandes décisions du Conseil constitutionnel, op. cit., p.449 (8ème éd. 1995; Dellis G., op. cit., n° 492, p. 357.

138. Le Calvez J., L'inculpation et la présomption d'innocence, Gaz. Pal. 1987, chron. p. 681.

139. Lombois B., Présomption d'innocence, Pouvoir 1990, n° 55, p. 81.

خارج از جریان رسیدگی، و همچنین اصحاب رسانه و عموم مردم باید در جهت ایجاد ذهنیتی تصنعی تلاش نمایند که در عالم واقع و خارج فی النفسه وجود ندارد. حتی می‌توان گفت، استفاده از الفاظی چون متهم و اتهام با رعایت اصل برائت سازگار نیست.

مضافاً به آنکه، احراز نقض اصل برائت در محاکم و مراجع اداری و شبه کیفری تنها منوط به وجود عناصر خارجی در رفتار مرجع تصمیم گیرنده و یا سایر مقامات عمومی است، و نمی‌توان از منویات درونی قاضی یا مرجع صالح به رسیدگی در خصوص اینکه شخص اخیر چه نظری نسبت به مجرمیت و یا عدم مجرمیت شخص مورد تعقیب دارد، آگاهی یافت. به عبارت دیگر، همان گونه که در مورد اصل بی طرفی می‌توان گفت، رعایت اصل برائت در مجازات‌های اداری به مراتب دشوارتر از رعایت این امر در رسیدگی‌های کیفری است. زیرا، مقامات اداری، حسب مورد، دارای روابط نسبتاً تنگاتنگی با اداره بوده و در مجازات نمودن اعضاء اداره و یا شهروندان ناقض مقررات حرفه‌ای و یا عمومی با رویکرد و فرض مشروعیت و قانونی بودن عمل اداری (مبتنی بر این اندیشه که اداره حامی و حافظ منفعت همگانی و نظم عمومی است) رسیدگی خود را انجام می‌دهند؛ فرضی که از پیش موجبات تضعیف رعایت عملی اصل برائت در رسیدگی‌های اداری را فراهم می‌نماید.

فهرست منابع^{۱۴۰}

1. Beccaria C., Traité des délits et des peines (traduit de l'italien, version numérique : www.gallica.bnf.fr).
2. Berger V., Jurisprudence de la Cour EDH, Sirey, 7ème éd. 2000.
3. Bertrand C., Régime disciplinaire de la fonction publique, J.-Cl. adm. 1995, fasc. n° 183.
4. Degoffe M., La juridiction administrative spécialisée, LGDJ, 1996
Degoffe M., Droit de la sanction non-pénale, Economica, 2000.
5. Deliss G., Droit pénal et droit administrative, LGDJ, 1997.
6. Delmas-Marty M., La preuve pénale, Droit 1996, n° 23.
7. Delmas-Marty M. et Teitgen-Colly C., Punir sans juger? Economica, 1992.
8. Favoreu L. et Philip L., Les grandes décisions du Conseil constitutionnel, Dalloz, 9ème éd 1999.
9. Guinchard et autres. Droit processuels, Dalloz, 2003.
10. Isaac G., La procédure administrative non contentieuse, LGDJ, 1968.
11. Koerinig- Joulin R. et Seuvic J-F., Droits fondamentaux et droit criminel, AJDA 1998, chron. p. 106.
12. Koering-Joulin R., Buchet A., Coste J-L. et autres, Le rôle des médias face à la présomption d'innocence in La présomption d'innocence en droit comparé, actes du Colloque du 16 jan. 1998 (organisé par le Centre français de droit comparé), Société de législation comparée, 1998.

۱۴۰. به دلیل کثرت آراء مراجع قضایی داخلی (عمومی و اداری) و همچنین آراء دیوان اروپایی حقوق بشر و تفاسیر و تحلیل‌های نویسندگان برآنها، که قسمت عمده‌ای از منابع مورد رجوع نگارنده بوده، و در پانوشته‌های متن اصلی مورد اشاره قرار گرفته است، از ذکر مجدد آن در این بخش خودداری شده است.

13. Le Bos-Le Pourhiet A-M et Buisson J., La Constitution et la procédure de sanction fiscale, AJDA 1991, chron, p. 497.
14. Lombois B., Présomption d'innocence, Pouvoir 1990, n° 55.
15. Lenoir R. et Poileux S., Justice et médias : le secret de l'instruction et le droit au respect de la présomption d'innocence. Centre de recherches et d'Etudes en droit, histoire, économie et sociologie du social de l'Université Paris I (CREDHESS), 1997.
16. Le Calvez J., L'inculpation, la présomption d'innocence, Gaz. Pal, 31 oct. 1987, pp. 2 et 3.
17. Maugüé C., Effets des mesures de suspension des agents publics auteurs de fautes graves, AJDA 1994, chron. p. 376.
18. Th. et deVilliers M., Code constitutionnel, Litec, 2001.
19. Théron J-P., Conditions de légalité des mesures prises à l'encontre de personnes dont l'activité est régie par une fédération sportive, AJDA 1995 somm comm. p. 753.
20. Thomasset -Pierre S., Création de l'Autorité des marchés financiers : Commentaire de la loi du 1er août 2003 et du décret du 21 novembre 2003, D. 2003, chron. p. 2951.
21. Moderne F., Sanction administrative et justice constitutionnelle, Economica, 1993.
22. Moderne F., La sanction administrative (éléments d'analyse comparative), RFDA, mai-juin 2002.
23. Moreau L., Contraventions de grande voirie et procès équitable, in Mélanges J-Ph. Colson, PU Grenoble, 2004.
24. Yavari A., Le régime des sanctions administratives en droit français au regard des dispositions de l'article 6 de la Convention EDH, Thèse de doctorat, Université de Nantes, 2007.